

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی ـ اداره مخطوطات

شماره ثبت:	۱۵۸۸۳
رده‌بندی دیویی:	۱۳۲۷ هـ ۸۱۴ ش ۲۹۷٫۳۴۲۲ مرجع ☐
سرشناسه:	شهرستانی، علی بن محمدحسین، ۱۲۸۰ ـ ۱۳۴۴ق.
عنوان قراردادی:	هدیة المؤمنین
عنوان:	هدیة المؤمنین
شرح پدیدآور:	
کاتب:	فتح‌الله غروی اصفهانی — تاریخ کتابت:
محل نشر:	تهران — ناشر: مطبعه حاجی عبدالرحیم — تاریخ نشر: ۱۳۲۷؟ق
صفحه شمار:	۹۴ص — مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐
زبان:	فارسی — ابعاد: ۲۱×۱۳ — نوع خط: نسخ
روش تهیه:	وقفی☑ اهدایی☐ خریداری☐ ارسالی☐
واقف:	هبة‌الدین شهرستانی — تاریخ ثبت: مهر ۱۳۱۸
یادداشتها:	عنوان دیگر: سؤال و جواب
موضوع(ها):	۱. فقه جعفری ـ رساله عملیه.
شناسه(های) افزوده:	الف. غروی اصفهانی، فتح‌الله، کاتب. ب. شهرستانی، هبة‌الدین، واقف. ج. عنوان. د. عنوان: هدیة المؤمنین.
فهرستگار:	[signature] — تاریخ فهرستگاری: بهمن ۸۷



نام کتاب : هدیة المؤمنین

مؤلف : حاج سید محمد علی شهرستانی

چاپ : سنگی نسخ طبع تهران

واقف : آقای شهرستانی مهر ۱۳۱۸

شماره ثبت : ۱۵۸۸۳

تعلق به سید شهاب الدین ... ۱۳۱۸

هو الله تعالی شأنه

این رساله شریفه الموسومه بهدیة المؤمنین
سؤال و جوابی است که از فتاوی حضرت مستطاب
اعلم العلماء و المجتهدین و افقه الفقهاء و المحققین
قدوة الزاهدین ملاذ الشیعه محیی شریعت جده
سید المرسلین حجة الاسلام و المسلمین آیة الله فی
العالمین العالم الربانی و الفاضل الصمدانی الذی لیس
له ثانی مولانا الحاج میرزا محمد علی الحسینی المرعشی الشهرستانی
متع الله المسلمین بطول بقائه به مباشرت و اهتمام اینجانب میرزا علی
ابن میرزا حسین تاجر کتابفروش در طهران در مطبعه حاجی عبد الرحیم بطبع رسید

هدیة المؤمنین

بسم الله الرحمن الرحیم

لا بأس بالعمل بهذه الرسالة ان شاء الله حرره الاقل الحسینی الشهرستانی محمد علی

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین **و بعد** چنین گوید بنده جانی حاجی محمد مهدی ابن حاجی عبد الحسین الحائری الطهرانی که این رساله ایست در اصول دین و فروع دین و سؤالاتی است که از سرکار شریعتمدار سید العلماء والمجتهدین قدوة الفقهاء والمحققین حجة الاسلام والمسلمین آقای حاجی میرزا محمد علی الحسینی الشهرستانی الحائری دام ظله العالی سؤال شده است با جوابهای آنها جمع نمودم تا افراد این رساله منتفع شوند از آن برادران دینی و این احقر را بدعای خیر یاد نمایند و نام نهادم او را به **هدیة المؤمنین** و مشتمل است این رساله بر دو باب و خاتمه **باب اول** در اصول دین است **باب دوم** در فروع دین است **خاتمه** و در آن دو فصل است **فصل اول** در وجوه السکوت است **فصل دوم** در گناهان کبیره است **باب اول** در اصول دین است

و در آن یک مقدمه و پنج فصل است **اما** مقدمه پس در آن ذکر میشود اصول دین بر وجه اجمال پس بدان که اصول دین بر طریقه حقه اثنی عشریه پنج است اول توحید دوم عدل سیم نبوت چهارم امامت پنجم معاد و تفصیل آن بیان میشود در ضمن پنج فصل

فصل اول

در توحید است مراد از آن این است که واجب است بر جمیع مردم که اعتقاد کنند باینکه خدا یک است و زیاده بر آن نیست یعنی ذات واجب الوجود که خالق اشیاء و زنده کننده و میراننده و روزی دهنده است منحصر است در فرد یکتای بیهمتا چنانکه خدا میفرماید وَاعْبُدُوا اللهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا یعنی پرستش نمایید خدا را و با او شریک ننمایید چیزی را و هم میفرماید اِنَّمَا اللهُ اِلٰهٌ وَاحِدٌ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ یعنی این است و جز این نیست که الله خدای یکتا است و خدائی نیست جز او و هم میفرماید هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللهِ یعنی یا آفریننده هست غیر از خدا و باید دانست که خداوند داناست بهمه چیز اِنَّ اللهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا یعنی بدرستیکه خدا بهر چیزی دانا و توانا است بر همه چیز اِنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و آفریننده همه چیزها است و روزی دهنده همه کس است وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْاَرْضِ اِلَّا عَلَى اللهِ رِزْقُهَا زنده کننده و میراننده است هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ و در دست قدرت او است تمام چیزها بِيَدِهِ الْخَيْرُ و آفریننده آسمان و زمین است خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ یعنی آفرید آسمانها و زمین را و شنونده و بیننده است اِنَّ اللهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا یعنی خداوند شنونده و بیننده است و زنده است

هو الحی القیوم و بخواب نمیرود و پینکی نمیزند لا تأخذه سنة و لا نوم و بازگشت
مردم بسوی اوست و الیه المصیر

فصل دوم

در عدل است و معنیش آنستکه خداوند عادلست ظالم نیست ان الله لا یظلم الناس
شیئا و آنچه مردم میکنند از نیک و بد سزای ایشانرا برحسب کردهای ایشان
میدهد فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من یعمل مثقال ذرة شرا یره یعنی هرکس
بمقدار ذره عمل نیکو کند آنرا خواهد دید و هرکس بمقدار ذره کار بد کند آنرا
می بیند و هرکسیرا برحسب مصلحت و عطا میکند ان الله یبسط الرزق لمن یشاء
و یقدر یعنی خداوند گشایش میدهد روزی هرکس که بخواهد و تنگ میکند
بر هرکس که بخواهد و نعمت را از کسی نمیگیرد مگر آنکه کفران کند نعمت او را ذلک
بان الله لم یک مغیرا نعمة انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم یعنی خدا تغییر
نمیدهد نعمتی را که بقومی داده است مگر آنکه تغییر دهند آنچه را که در ایشانست و
خداوند کسیرا گمراه نمیکند و ما کان الله لیضل قوما بعد اذ هدیهم حتی یبین لهم ما
یتقون یعنی خداوند گمراه نمیکند قومیرا بعد از آنکه هدایت نمود ایشانرا تا
آنکه بیان نماید برای ایشان آنچه را که بپرهیزند

فصل سیم

در نبوت و معنیش آنستکه باید اعتقاد نمود بر اینکه خداوند مردم را مهمل نگذاشته
و پیغمبران فرستاده است بجهت ارشاد و هدایت مردم رسلا مبشرین و منذرین
لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرسل یعنی پیغمبرانرا که بشارت دهنده اند
و ترساننده اند تا آنکه برای مردم حجتی بر خدا نباشد بعد از فرستادن پیغمبران و آنکه

محمد بن عبدالله پیغمبر آخر الزمانست و ما محمد الا رسول یعنی نیست محمد مگر رسول
و اینکه او خاتم پیغمبرانست و لکن رسول الله و خاتم النبیین یعنی رسول خدا و
آخر پیغمبرانست و اینکه او مبعوثست بر تمام مردم و ما ارسلناک الا کافة للناس
یعنی نفرستادیم ترا مگر بر تمام مردم و بعد از او پیغمبری نیست و دین او ناسخ
تمام دینهاست و من یبتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخرة
من الخاسرین یعنی هرکس که دینی غیر دین اسلام طلبد از او قبول نمیشود و او
در آخرت از زیانکارانست و معصومست از گناه و خطا و سهو و نسیان و تمام
انبیاء سابق بر او بر حقند قولوا آمنا بالله و ما انزل الینا و ما انزل الی ابرهیم
و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی
النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم و نحن له مسلمون و شفاعت میکند
گناهکاران امت را در روز قیامت و لسوف یعطیک ربک فترضی

فصل چهارم

در امامتست یعنی امامان بعد از پیغمبر دوازده اند اول امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
است و او خلیفه بلافصل پیغمبر و وصی و جانشین او و امام مفترض الطاعه و
معصومست از گناه و سهو و خطا و نسیان دوم امام حسن که پسر امیر
المؤمنین و پسر صدیقه طاهره فاطمه زهرا دختر رسول خدا است و وصی پدر و
خلیفه رسول خدا است بعد از پدر بزرگوار خود سیم امام حسین و او نیز پسر امیرالمؤمنین
از حضرت فاطمه است و وصی برادر و خلیفه رسول خدا است بعد از برادرش چهارم
امام زین العابدین علی بن الحسین است پنجم امام محمد باقر پسر امام زین العابدین
است ششم امام جعفر صادق پسر او است هفتم پسر او امام موسی کاظم است

هشتم پسر او امام رضا است نهم پسر او امام محمد تقی جواد است دهم پسر او امام
علی النقی است یازدهم پسر او امام حسن عسکری است دوازدهم پسر او صاحب
الزمان و حجت منتظر است و باید که اعتقاد نمود که این ائمه تمام واجب الاطاعه
و معصومند چون قول ایشان قول خدا و حکم ایشان حکم خدا است یا ایها الذین امنوا
اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم یعنی ای کسانیکه ایمان آورده اید
اطاعت نمائید خدا را و اطاعت نمائید پیغمبر خدا را و کسانیکه امرا اند بر شما
از شما و محبت تمام ایشان واجب است قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی
یعنی بگو ای پیغمبر صلی الله علیه و آله که از شما مزدی نمیخواهم بر رسالت مگر آنکه
دوست بدارید اولاد مرا و مخالفت ایشان حرام است و باید اعتقاد نمود بر اینکه امام
دوازدهم حجة است غایب است و وجود او نافع است و ظاهر خواهد شد و زمین را
پر خواهد کرد از عدل و داد بعد از آنکه پر شده باشد از ظلم و جور و زمین را پاک
کند از مشرکین و منافقین

فصل پنجم

در معاد است یعنی خداوند مردم را بعد از مردن بر پا انگیزاند تا آنکه سزای هر کسی را
بمقتضای عمل او بدهد یوم یبعثهم الله جمیعا یعنی روزیکه خدا برانگیزاند
همه ایشان را هر کس که معصیت کند خدا او را بجهنم میبرد و هر کس که اطاعت نماید
او را داخل در بهشت مینماید و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم
اجورهم و یزیدهم من فضله و اما الذین استنکفوا و استکبروا فیعذبهم
عذابا الیما و لا یجدون لهم من دون الله ولیا و لا نصیرا یعنی اما کسانیکه
ایمان آوردند و کارهای نیک نمودند پس خدا تمام دهد مزدهای ایشان را

از فضل خود و اما کسانیکه ننگ کردند و تکبر نمودند پس خدا عذاب میکند
ایشانرا عذاب دردناک و نیابند بجز خدا یاری و نه یاوری و اعضای انسان
شهادت میدهند بکارهائیکه کرده است یوم تشهد علیهم السنتهم و ایدیهم
و ارجلهم بما کانوا یعملون یعنی روزیکه شهادت دهد بر ایشان زبانهای
ایشان و دستهای ایشان با آنچه کردند و هر کس را که بهشت ببرد ابد الاباد
در آن متنعم است جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و کفار و
منافقانرا بجهنم میبرد در آنجا ابد الاباد خواهند بود وعد الله المنافقین
و المنافقات و الکفار نار جهنم خالدین فیها و باید دانست که اصول دین تقلیدی
نیست و هر کس باید باجتهاد خود تحصیل کند معرفت آنرا

باب دوم در فروع دین

مقدمه در تقلید است سؤال (۱) مجتهد میت بقاء بر تقلید میت را جایز
نمیداند و مجتهد حی واجب میداند چه باید کرد جواب فتوای میت در این
مسئله بکار نمیاید سؤال (۲) مجتهد میت عدالت را ملکه میداند و مجتهد حی
بحسن میداند آیا برای مقلد جایز است اختیار هر یک از این دو فتوی که بخواهد
یا نه جواب در فتوی بقاء ملاحظه فروع جزئیه نمیشود و اختلاف در
اینها ضرر ندارد سؤال (۳) مراد از مجتهد جامع الشرایط که میتوان تقلید
نمود و واجب است جواب مجتهد عادل است سؤال (۴) هرگاه عادلی خبر دهد
از فتوای مجتهد عمل بقول او لازم است یا نه جواب بلی عمل نماید سؤال (۵)
هرگاه عادلی خبر داد از رای مجتهد با آنکه خود متمکن از کتاب مجتهد مجیب بفهم

خود اند نمود بعد از عمل خلافش معلوم شد آیا در این صورت اعاده لازم است
یا نه جواب لازم است علی الاحوط سؤال (۶) در تقلید اخذ مسائل
کفایت میکند یا نه جواب بلی تقلید همان اخذ مسائل است برای عمل
سؤال (۷) مقلد در یک مسئله قطع یا مظنه نمود بخطاء مجتهد در دلیل
حکم آیا جایز است که تقلید کند او را یا نه جواب اگر قطع بخطاء ندارد
میتواند سؤال (۸) فتوی دادن واجب بر مجتهد یا نه جواب معلوم
نیست مگر در بعض صور سؤال (۹) رجوع از مجتهدی بمجتهد دیگر جایز است
یا نه جواب در مسائلیکه اخذ نموده بجهت عمل جایز نیست رجوع سؤال (۱۰)
هرگاه مقلد مظنه کند بخطاء مجتهد در حکم مسئله تکلیفش چیست جواب
اعتبار ندارد سؤال (۱۱) هرگاه شخص دستش بمجتهد و کتابش نرسد چه کند
جواب احتیاط کند سؤال (۱۲) هرگاه شخص مقلد مجتهدی باشد که در
مسئله از برای مقلد عسر و حرج اتفاق افتد میتواند رجوع بدیگری نماید یا نه
جواب مشکل است سؤال (۱۳) هرگاه مجتهد رجوع کند از فتوای سابق
خود از عبادات و معاملات و طهارات باعث بطلان عمل مقلدین میشود
یا نه جواب اعمال گذشته ایشان صحیح است سؤال (۱۴) هرگاه مقلد را
برایش یقین حاصل شود بخطاء مجتهدش در فتوی تکلیفش چیست جواب
عمل بیقین خود کند سؤال (۱۵) بر مجتهد لازم است که اطلاع دهد مردم را
باجتهاد خودش یا نه جواب اگر منحصر باشد لازم است سؤال (۱۶) اگر
شخص عامی عمل باحتیاط کند و تقلید نکند عملش صحیح است یا نه جواب

اگر

اگر احتیاط را بداند صحیح است سؤال (۱۷) شخصیکه شکیات و سهویات را نداند
و در نماز بجهتش اتفاق نیفتد نماز چنین کسی صحیح است یا نه جواب
اگر مجتهد را اخذ کرده بجهت عمل بقاء بر آن لازم است سؤال (۱۹) عدول از
مجتهد حی به حی جایز میدانید یا نه جواب عدول در مسائل ماخوذه بجهت
عمل جایز نیست سؤال (۲۰) تبعیض در تقلید جایز است یا نه جواب
بلی جایز است مگر آنکه منجر شود بمخالفت هر دو سؤال (۲۱) در مستحبات
تقلید لازم است یا نه جواب بلی لازم است سؤال (۲۲) رجوع از مجتهد
حی به حی جایز است یا نه جواب در مسائل ماخوذه بجهت عمل جایز نیست

س ۱۸ بقاء بر تقلید میت واجب یا نه جواب [illegible]

کتاب الطهارة

فصل در احکام آبست سؤال (۲۳) چاه که متغیر شده بعد از نزح ریسمان
و دلو و کنار چاه بالتبع پاک میشود یا نه جواب بلی پاک میشود اگر
عین نجاست در آنها نباشد سؤال (۲۴) بیان طریقه بیت الخلاء که با آب برسانند
و طریق آب کشی چه قدر باید فاصله باشد که متغیر نشود طریقه آب کشی چه
قدر باشد که متغیر نشود اوصاف ثلثه آن از ملاقات عین نجاست
و مستحب است پنج ذراع در زمین سخت با بلندی قرار چاه و هفت ذراع در
زمین سست و عدم بلندی قرار چاه سؤال (۲۵) هرگاه شخص جاهل بغصبیت
آب یا مکان باشد و وضوء بسازد صحیح است یا نه جواب صحیح است
سؤال (۲۶) هرگاه آب غصبی داخل با آب مباح و مخلوط شود و قابلیت قسمت
و قیمت نداشته باشد بجهت کم بودن آب یا وضوء با چنین آبی جایز است

یا نه

یا نه جواب مشکل است سؤال (۲۷) شخص نصف بدنش از طرف پائین نجس است
بکدفعه آبرا بر همه جاری کند پاک میکند و حال آنکه آن شخص بر بیضتین است
و شخص ایستاده و دو بدنش بنحو متعارف بهم چسبیده با این حالت بکدفعه جاری
نمودن آب هر نجاستی دارد کافیست بطریق مذکور یا دو دفعه یا آنکه دست را
معین بگیرد در رسیدن آب در آن را از بیضتین جدا نموده تطهیر کند ج
اگر آب بر همه محل متنجس جاری شود پاک میکند و در بول احوط تعدد است
سؤال (۲۸) موی بدن انسان مثل ریش یا گیس یا موی دست یا عورت که باب
قلیل تطهیر کنند محتاج فشار است یا نه جواب فشار نمیخواهد سؤال (۲۹)
دستها را یا پاها را بشویند و انگشتها برهم چسبیده باشد بعد از رفع غساله
پاک میشود یا نه جواب هر جا آب برسد با جریان پاک میشود سؤال (۳۰)
غساله مطلقا پاک است یا نه جواب غساله استنجاء پاک است و در غیر آن احوط
اجتناب است سؤال (۳۱) تطهیر لباس و غیره در آب کر و جاری تعدد و فشار میخواهد
یا نه جواب تعدد و فشار لازم نیست سؤال (۳۲) بر فرض نجاست غساله را
چه قدر صبر کنند و بر فرض لازم بودن تکان یا نبودن چه قدر تکان دهند مغسول را
جواب قطراتی که بالطبع خود میچکد بچکد کافیست سؤال (۳۳) خم بزرگ را
میتوان باب قلیل طاهر نمود جواب بلی آب بر اطراف آن جاری کنند و غساله را
بیرون آورند باید که در آن نجاست معتبر است سؤال (۳۴) سم سیکاره تمام
نقره و سرنی قلیان نقره باشد کشیدن با او جایز است یا نه جواب ضرر
ندارد سؤال (۳۵) سه نفر همراهند یکی فوت شده دیگری محتلم است و ثالث میخواهد

وضو بسازد و یک آب فقط بر آب دارند با غسل کدام است جواب مالک
هر کدام باشد اولی است و اگر مباح باشد هر کدام سبقت کنند مقدم
است و تقدیم جنب اولی است سؤال (۳۶) در توجه علم اجمالی کافیست
یا نه ج علم مستند بدلیل اجمالی در همه اینها کافیست س (۳۷) شمعی که
میگویند از پیه ماهی است از کفار خریده‌اند چه صورت دارد و در هم سابقا
و اما در اینها آورند و در تمام هند شایع است بعضی میگویند از روغن
معدنی نفت میسازند ج ظاهرا ضرر ندارد س (۳۸) آب مباح در
زمین غصبی جاری شده باشد گل آلود شود یا آنکه ملک غصب و امثال آن
در آن ریخته شود نه بحدیکه مضاف میشود یا استعمال آن جایز است یا نه
ج ظاهرا اینها در حکم تلف است و آب غصبی نمیشود س (۳۹) لباسی که
بتبدیل رنگ شده هر گاه نجس شود مادامیکه رنگ پس میدهد تطهیرش
ممکن است یا نه ج بعد از خشکیدن در جاری یا کر فرو برند پاک
میشود س (۴۰) در وقت جوشیدن برنج فضله در او پیدا شود چه کنند
ج برنج را بخشکانند و بعد در جاری یا کر فرو برند و نگاه دارند تا آب
بباطنش برسد س (۴۱) در میان حب روغن ملیت فضله موش پیدا شود
چه کنند ج اگر مایع است نجس است زیرا سیال است و اگر جامد است همان
فضله را با اطرافش بردارند باقی پاک است مگر آنکه بدانند که در حال میعان
افتاده است و بعد منجمد شده س (۴۲) در میان تغار خمیر فضله موش پیدا
شود چه کنند ج آن خمیر را دور کنند یا بحیوان بدهند س (۴۳) در میان نان

احتیاج بعلم تفصیلی است در هر چه بتوان و الا علم اجمالی کافیست صح

هرگاه فضله موش پیدا شود چه کنند ج همان نحو که در خبر گفته شد عمل کنند

س (۴۴) شوره بیر بول یا غیر آن متنجس شود چه نوع پاک میشود ج اگر آفتاب بران بتابد بنحوی که همه محل متنجس را خشک کند پاک میشود والا مشکل است طریق دیگر

س (۴۵) چند ظرف روغن منجمد در خانه هست و سگ هم از خانه بیرون آمده و اطراف دهن او آثار روغن هست صاحب خانه نمیداند که کدام یک از این ظروف دهن سگ رسیده تکلیف چیست ج اگر یقین دارد که سگ دهن خود را بیکی از این ظروف ما بهم رسانیده حکم شبهه محصوره دارد

س (۴۶) دست شخص نجس شود یک مرتبه آب بر آن جاری کند طاهر میشود یا نه ج احوط دو مرتبه است خصوصا در بول

س (۴۷) شخص در بازار عبور میکند آب پاشیده اند ترشح میشود و علم بطهارت و نجاستش ندارد تکلیفش چیست ج اگر علم بنجاست ندارد باکی نیست

س (۴۸) شخص دست بدست یهودی یا نصارا بدهد یا مصافحه کند در صورتیکه دست هر دو را رطوبتی هست تطهیر لازمست یا نه ج لازم نیست

س (۴۹) در بلدیکه قصاب ایشان خارج مذهب است و گردن گوسفند را نمیشورند و با همان کارد که پوست کنده نمک نمک کنند و کسی از آن گوشت خریده ضیافت میکند آیا خوردن از آن جایز است یا نه ج تا علم بنجاست نباشد ضرر ندارد

س (۵۰) قرآن یا تربت همراه شخص باشد بی اختیار در مستراح افتاده آیا بیرون آوردنش واجب است یا نه ج اگر ممکن باشد بیرون آورند و تطهیر کنند

س (۵۱) با ظرف تربت در غیر کربلای معلی استنجاء نمودن جایز است یا نه

ج مثل بول نیست و شستن بعضی ضرر ندارد

س (۵۲) چیز مستعمل نجس یا در آب کر یک مرتبه فرو برند طاهر است یا نه ج اگر همان ظاهرش نجس بوده باشد پاک میشود

س (۵۳) جنب از حرام در آب گرم میتواند غسل نماید یا نه ج بلی میتواند

س (۵۴) فرش قالی یا گلیم یا لحاف نجس در زیر بارش گذاشتن یا زایل شدن عین نجاست بمجرد خشکیدن طاهر میشود یا نه ج بلی طاهر میشود

س (۵۵) عرق جنب بحرام پاک است یا نجس ج پاک است و احوط اجتناب است

س (۵۶) شیره از کیسه که فضله موش در او بوده واجب است دور ریختن یا نه ج اعلام لازم نیست

س (۵۷) هرکه نجس را اگر بجوشانند بخار آن اگر قابل رطوبت باشد بحیثیتیکه اگر بالای آن دست بگیرند تر شود چه صورت دارد ج پاک است

س (۵۸) مویز با آن ثلثان نشده را از قرار تقریر آن بعضی خورده اند جناب عالی در خوردن آن چه میفرمایید ج حرمت آن معلوم نیست اگر احتیاط خوبست بتثلیث کردن

س (۵۹) با تنباکوی غیر قلیان کشیدن چه صورت دارد ج دود نجس نیست

س (۶۰) مرکب از کفار خریدن چه صورت دارد ج اگر علم بنجاست ندارد ضرر ندارد

س (۶۱) اجناس ترشده را از دست یهودی و نصاری خریدن چه صورت دارد ج تا علم بنجاست نباشد ضرر ندارد

س (۶۲) اسباب طلا و نقره که مسید هند بر ذکر یهود بنا زد با بودن مسلمان جایز است یا نه ج اگر معلوم نباشد تنجیس آن ضرر ندارد

س (۶۳) دو حوض را یک مرتبه خالی نمود فی الحال یکی را غساله گرفته پر کرده چه صورت دارد

ج اگر نجس شده بود و تطهیر بنحو شرعی شده ضرر ندارد س(۶۴) کشمش و آلوچه
در آش و پلو و کوفته ریختن و پختن بدون سوراخ کردن جایز است یا نه ج
جایز است و احوط ترک است س(۶۵) حیوانیکه پشت آن زخم شده مثل قاطر
و امثال او و خون بیرون میدهد پاک است یا نجس ج تا عین خون موجود است نجس
است و اگر عین زائل شود پاک است س(۶۶) خرما در میان کلیچه یا پلو یا آب
گوشت پختن چه صورت دارد ج ضرر ندارد س(۶۷) پسر بچه شیرخواره است
و هنوز غذا خور نشده بجائی بول کند مثلا فرش و لباس ریختن آب بر آن
پاک است یا نه ج پاک است س(۶۸) هیمه نجس را شخص بسوزاند آتش و
ذغال او پاک است یا نه ج مشکل است تا خاکستر نشده باشد س(۶۹)
زمین خانه یا در یا ارسی و امثال اینها نجس بشود بتابد آفتاب بر اینها
پاک است یا نه ج اگر تر باشد و آفتاب آنرا بخشکاند پاک میشود

فصل در احکام تخلی است

س(۷۰) ستر عورت در حال تخلی از طفل ممیز هم لازم است یا نه ج بلی
لازم است س(۷۱) ستر عورت زنان بر زنان دیگر لازم است یا نه ج
اگر ناظر محترمی باشد باید ستر کنند از او س(۷۲) رو بقبله یا پشت بقبله
نشستن در حال تخلی مکروه است یا حرام ج حرام است س(۷۳) هرگاه
شخص ناچار شود به استقبال یا استدبار کدام را مقدم بدارد ج
احوط ترجیح استدبار است س(۷۴) هرگاه امر دایر شود بین ناظر محترم
یا استقبال قبله کدام را مقدم بدارد ج استقبال مقدم است س(۷۵)

در جائیکه قبله مشتبه شود تکلیف چیست در حال تخلی ج هر طرف خواهد
بکند س(۷۶) تخلی در ملک غیر بی اذن مالک جایز است یا نه ج جایز نیست
س(۷۷) وجوب ستر با عدم علم بودن ناظر محترم ثابت است یا نه ج ثابت نیست
س(۷۸) هرگاه علم اجمالی بنحو شبهه محصوره ببعضی از جهات قبله
داشته باشد چه کند ج از اطراف علم اجمالی اجتناب کند با امکان

فصل در احکام استنجا است

س(۷۹) شستن مخرج بول یکدفعه کفایت میکند یا نه ج احوط
دو دفعه است س(۸۰) در حال اشتغال باستنجاء غائط اگر شک نماید
کند بتطهیر مخرج بول و عادت دارد که اول مخرج بول را بشوید چه حکم
دارد ج باید یقین کند س(۸۱) اجزاء ریزه ریزه که در استنجا با حجار
باقی میماند و همچنین رطوبت بو و رنگ یا تطهیر با بقاء مذکورات تمام
میشود یا نه ج مشکل است س(۸۲) هرگاه شخص وذی یا مذی از او
خارج شود و نداند که با او بول هست یا نه چه کند ج اگر استبرا کرده
پاک است و الا احوط تطهیر است س(۸۳) در استنجاء با احجار عدد شرط
است یا نه ج سه عدد ترک نشود س(۸۴) در استنجاء غائط با آب تعدد
لازم است یا نه ج لازم نیست بلکه باید ازاله عین نماید سؤال(۸۵)
غساله آب استنجاء از بول و غائط پاک است یا نه ج پاک سؤال(۸۶)
هرگاه شخص بعد از استبراء رطوبتی ببیند و نداند که بول است یا چیز دیگر
پاک است یا نجس ج پاک س(۸۷) در استنجاء بول در صورت وذی و مذی

باید دست بمالد یا نه ج لازم نیست ولی احوط است س (٨٨) دستی که
انگشتر منقوش باسماء متبرکه در آن باشد استنجاء با آن میتوان کرد یا نه
ج احوط ترک است س (٨٩) هرگاه شخص بعد از وضو رطوبت مشتبه
ببیند ناقض وضو میشود یا نه ج اگر استبراء از بول کرده ناقض نیست والا ناقض است

فصل در احکام وضو متفرقه

س (٩٠) هرگاه زن وضو بسازد در جائیکه ببینند نامحرم وضویش را
آیا وضویش چه صورت دارد ج وضویش باطل نیست هرچند معصیت نموده
بترک ستر س (٩١) شستن موی ابرو و ریش لازمست یا نه ج در وضو
آب بر روی آنها جاری نماید کافیست س (٩٢) وضوئیکه از جهت عبادات
مستحبه ساخته از جهت نماز واجب کفایت میکند یا نه ج بلی کفایت میکند
س (٩٣) شخص زیر ناخنش چرک باشد ازاله آن در وضو لازم است یا نه ج
اگر از حد متعارف خارج است باید ازاله کند س (٩٤) در وقت وضو
گرفتن شخص اعضای مسح وضویش تر باشد خشک کردن لازم است یا نه
ج باید رطوبت ماسح غالب باشد بر ممسوح س (٩٥) موالات در وضو
و مسح لازمست یا نه ج بلی لازمست ولو با غسل دست س (٩٦)
هرگاه چیزی غصبی در جیب وضو گیرنده باشد وضویش صحیح است یا نه ج
صحیح است س (٩٧) هرگاه شخص در مکان غصبی وضو بگیرد چه صورت دارد
ج احوط اعاده است س (٩٨) هرگاه شخص عالم باشد بغصبیت آب
و مکان و جاهل باشد بحرمتش وضو بسازد چه صورت دارد ج مشکل
است احوط اعاده است انشاء الله س (٩٩) کسی سلس البول داشته باشد

که متصل بولش میچکد آیا لازم است از جهت هر نماز وضو بسازد یا نه ج
بلی لازمست س (١٠٠) هرگاه شخص یقین در وضو و حدث هر دو دارد
لکن نمیداند کدام مقدم و کدام موخر است تکلیفش چیست ج تاریخ هر
کدام که معلوم است بنا را بر آن گذارد و با جهل بتاریخ بنا را بر ضد حالت
سابقه گذارد و با جهل بآن باید وضو بگیرد س (١٠١) هرگاه شخص یقین
بطهارت داشته باشد و شک در حدث تکلیفش چیست ج بنا بر طهارت
گذارد س (١٠٢) اجیر خاص در وسعت وقت بدون اذن مستاجر میتواند
وضو بسازد یا نه ج اگر مزاحم باشد با عمل مستاجر علیه مشکل است
سؤال (١٠٣) هرگاه شخص یقین بدخول وقت نمود و وضو گرفت و بعد معلوم
شد که وقت داخل نشده بود آیا با این وضو میتواند نماز واجب را بجا آورد
یا نه ج بلی میتواند س (١٠٤) عدول از وضوء مستحب بواجب جایز است یا
ج اگر مراد این است که خیال داشت وضو بگیرد از برای قرائت قرآن بعد
عدول کرد بقصد وضوی نماز واجب ضرر ندارد س (١٠٥) آیا در نواقض
وضوء مظنه کافیست یا نه ج کافی نیست س (١٠٦) آیا شخص در جزوی از
اعضای وضو قصد ریاء نماید اعاده لازمست یا نه و بر فرض لزوم اعاده همان
جزء لازمست یا اعاده تمام وضوء ج اعاده همان جزء و ما بعدش اگر موالات
بهم نخورده است والا تمام را اعاده کند س (١٠٧) هرگاه شخص وضوء بگیرد
بقصد تجدید وضو بعد معلوم شود که سابق وضو نداشته با این وضو میتواند
نماز کند یا نه ج بلی میتواند س (١٠٨) وضوء گرفتن بجهت مس کتابت قرآن

واجب است یا نه ج جایز نیست مگر با وضو س (۱۰۹) هرگاه وقت تنگ
باشد یا مسافر خوف از رفتن قافله دارد جایز است مسح را بر روی چکمه یا نعلین
نماید یا نه ج بلی جایز است در این حال س (۱۱۰) هرگاه شخص وضوء بگیرد
و مسح را فراموش کند و چند قدمی برود بعد متذکر شود هرگاه هنوز تری دست
باقی است میتواند با او مسح نماید یا نه ج بلی میتواند س (۱۱۱) در مسح
اگر رطوبت کف دست خشک شد جایز است گرفتن آب از اعضای وضوء یا نه ج
بلی جایز است س (۱۱۲) از پشت کف جایز است مسح سر و هر دو پا نمودن یا نه
ج مشکل است مگر با ضرورت س (۱۱۳) شخص میتواند هر دو پا را بیکدفعه
مسح نماید یا نه ج باید راست قبل از چپ مسح کند س (۱۱۴) شخص جاهل
بغصبیت آب یا مکان باشد وضو بسازد صحیح است یا نه ج صحیح است
هرگاه شخص با آب حوض مسجد وضو بگیرد که معلوم نیست وقف برای خاص نماز گزاران
عام است و برود در جای دیگر نماز کند جایز است یا نه ج با اذن متولی ضرر ندارد

فصل در احکام جبیره

س (۱۱۵) بر جبیره تخفیف دادن کهنه لازم است یا نه ج لازم نیست س (۱۱۶)
هرگاه موضع جبیره چرب باشد مسح بر آن جایز است یا نه ج چربی مضر نیست
س (۱۱۷) هرگاه شخص دملی داشته باشد که رسیدن آب بآن ضرر داشته
باشد شستن اطراف آن در وضوء و غسل کافی است یا نه ج خرقه
بالای آن گذارد و مسح بر خرقه کند س (۱۱۸) مسح بر جبیره نجس صحیح
است یا نه ج باید خرقه پاکی بر آن گذارد و مسح کند س (۱۱۹) در

درد

در درد چشم جبیره لازم است یا تیمم کافی نیست ج تیمم کافی است س (۱۲۰) هرگاه
جبیره در موضع مسح باشد مسح تمام جبیره لازم است یا بعض آن ج
مستوعب کافی نیست س (۱۲۱) مسح جبیره بکف دست باشد یا بپشت دست هم
جایز است ج مسح بکف دست کند با امکان س (۱۲۲) آیا در مسح
بر جبیره رطوبت دست کافی است یا آنکه باید با آب باشد ج بنحوی که
در مسح کافی است س (۱۲۳) کهنه که بدوا آلوده است روی زخم و چیز
خود زخم حکم جبیره است یا نه ج بلی کهنه جبیره است اما زخم مجرد احوط
در آن جمع است بین مسح خودش و مسح بر خرقه که بر آن گذارد س (۱۲۴)
هرگاه دمل زخم مکشوف باشد و مسح بر آن ممکن باشد مسح آن لازم است
یا تکلیفش عمل بجبیره است ج احوط جمع است چنانچه گفته شد
س (۱۲۵) نیت وضو و غسل چه وقت واجب باشد باین نحو کفایت میکند
وضوء یا غسل جنابت مثلا میکنم قربة الی الله وجوبا کفایت میکند

فصل در احکام غسل جنابت

س (۱۲۶) هرگاه شخص در خواب دید که محتلم شده و بعد از بیدار شدن
اثری ندید غسل بر او واجب است یا نه ج واجب نیست س (۱۲۷)
شخص رطوبتی بر جامه خود ببیند و شک داشته باشد که منی است
یا نه تکلیفش چیست ج پاک است س (۱۲۸) در غسل رسانیدن
آب زیر ریش لازم است یا نه ج بلی لازم است س (۱۲۹) اباحه
مکان در غسل شرط است یا نه ج بلی باید مباح باشد س (۱۳۰)

شخص

شخصی میداند که متمکن از غسل جنابت نیست معذلک میتواند خود را جنب کند یا نه و اگر کرده است معصیت کرده است یا نه ج اگر در وقت نماز باشد مشکل است و احوط ترک است س (۱۳۱) شخص میداند که زوجه اش متمکن از غسل نیست معذلک جنب میکند جایز است یا نه ج احوط ترک است در وقت نماز س (۱۳۲) شخص بعد از غسل رطوبتی به بیند تکلیفش چیست ج اگر استبراء کرده است ضرر ندارد س (۱۳۳) تداخل در اغسال واجبه و مندوبه بیک غسل کافیست یا نه ج ضرر ندارد و کافیست س (۱۳۴) در صورت اجتماع اغسال واجبه با مندوبه غسل مستحب را جایز است مقدم بدارد یا نه ج ضرر ندارد سؤال (۱۳۵) در زیر ناودان از آب باران غسل میتوان نمود یا نه ج ترتیبی میتوان کرد س (۱۳۶) هرگاه شخص با لنگ غصبی غسل نمود غسلش چه صورت دارد ج غسلش صحیح است لکن معصیت کرده است س (۱۳۷) هرگاه شخص بحمام برود و خیالش پول دادن بحمامی نباشد غسلش چه صورت دارد ج مشکل است س (۱۳۸) شخص بحمام برود و مقصودش پول حرام دادن بحمامی باشد غسلش صحیح است یا نه ج مشکل است س (۱۳۹) هرگاه شخص بچوب غصبی آب مباح را گرم کند و غسل بان نماید چه صورت دارد ج ضرر ندارد هرچند معصیت کرده و مشغول الذمه است س (۱۴۰) هرگاه شخص شک کند در دخول حشفه غسل براو لازم است یا نه ج لازم نیست س (۱۴۱) هرگاه شخص قبل از وقت غسل کرده بقصد واجب

ایا بعد از دخول وقت اعاده ان لازم است بجهت نماز یا نه ج اگر غرضش تشریع نبوده اعاده لازم نیست س (۱۴۲) غسل نمودن با آب سقا چه صورت دارد ج مشکل است مگر اینکه وقف عام باشد س (۱۴۳) چربی که در بدن یا یکی از اعضای شخص بوده باشد و غسل نماید غسل او صحیح است یا نه ج اگر مانع نیست ضرر ندارد س (۱۴۴) دخول بر خنثی موجب غسل میشود یا نه ج در دبرش موجب است در قبل س (۱۴۵) شخصیکه غسل بذمه دارد و بحمام برود آیا مقارنت زیر آب فرو رفتن نیت لازم است یا همین قدر که داشته است کافیست ج مقارنت لازم نیست س (۱۴۶) غسل نمودن از آب مسجد در چه صورت دارد ج اگر وقف خاص باشد و غیر موقوف علیه غسل کند مشکل است س (۱۴۷) آیا غسل جنابت کفایت از غسل جمعه میکند یا نه ج بلی کافیست س (۱۴۸) با مظنه بلوغ قوی حکم باحتلام میشود یا نه ج ظن کافی نیست س (۱۴۹) غسل ترتیبی و ارتماسی کدام افضل است ج ترتیبی افضل است س (۱۵۰) طریقه غسل ترتیبی را بیان فرمائید ج اول سر و گردن را بشوید بعد طرف راست بدن را از سر دوش تا انگشتان بعد طرف چپ را همین نحو س (۱۵۱) شخصی پول بدارد و میرود حمام و قصدش دادن بحمامی نیست لکن بعد از بیرون آمدن از حمام بعد غسل حمامی را راضی کند چگونه است ج غسلش صحیح است

فصل در احکام حیض است

س (۱۵۲) زن حائض داخل در مشاهد ائمه میتواند شد یا نه ج

نمیتواند س (۱۵۳) هرگاه زنی حایض عادت و هفت روزه باشد و خلاف
ترتیب یک سال میشود که پیش از هفت روز پاک میشود بعد روز هشتم و
نهم دوباره می بیند تا روز دهم اما طور اول نیست گاهی هست گاهی نیست
در این صورت تکلیف صوم و صلوة او چیست همان روز که پاک شد باید بجا
برود روزه و نماز بکند یا آنکه صبر کند تا ده روز ج اگر پیش از فجر
پاک شد غسل کند و نیت روزه کند نماز هم بکند و اگر در اثنای روز پاک
شد افطار نماید و اگر در اثنای روز پاک شود روزه از او ساقط است و
غسل میکند برای نماز س (۱۵۴) ضعیفه در حال حیض میتواند اغسال مستحبه را
بجا آورد یا نه ج بعضی از اغسال وارد شده است مثل غسل احرام
س (۱۵۵) هرگاه ضعیفه از حیض پاک شود قبل از غسل وطی او جایز است یا نه
ج مکروه است بلکه احوط ترک است س (۱۵۶) قول به زن در حالت
از حیض و طاهر بودن ممنوع است یا نه ج بلی هرچه منقضی شد س (۱۵۷)
هرگاه ضعیفه در زمان طهر شک در بودن خون نماید چه کند ج بنا
بر عدم گذارد س (۱۵۸) صاحب عادت وقتیه خون دید که هفت روز
نیست تکلیفش چیست ج ترک عبادت کند س (۱۵۹) ضعیفه مبتدئه
که عادتش مستقر نشده باشد بعد از دیدن خون چه کند ج ترک
عبادت کند س (۱۶۰) هرگاه ضعیفه جنب حایض شود غسل جنابت را در حال
حیض از او صحیح است یا نه ج مشکل است احتیاط ترک نشود بعد اعاده آن
بعد از طهر س (۱۶۱) هرگاه ضعیفه سه روز خون دید و قطع شد بعد از سه روز

باز خون دید مستمراً ده روز تا بعد تکلیفش چیست ج جمیعاً حیض است تا ده روز
اگر منقطع شود والا که مستمر است تمیز ندارد یا مضطربه است با عدد به
است تمیز رجوع بعد مستمر با سبعه میکند اگر ذات العادت وقتیه و عدد
است عمل بعادت میکند و اگر ذات التمیز است اخذ بتمیز نماید

فصل در احکام مستحاضه است

س (۱۶۲) ضعیفه مستحاضه وضو را قبل از غسل باید بگیرد یا بعد از آن ج
مختار است س (۱۶۳) ضعیفه مستحاضه هرگاه قادر بر آب نشود چند تیمم
باید بکند ج در قلیله یک تیمم بدل از وضو برای هر نماز و در متوسطه
دو تیمم برای نماز صبح و هم چنین از برای نماز ظهرین و از برای عشائین و یک
تیمم برای باقی س (۱۶۴) هرگاه ضعیفه مستحاضه غسل کرد از برای نماز قبل
از اینکه شروع کند در نماز خون دید تکلیفش چیست ج همان غسل نماز
کند س (۱۶۵) وطی ضعیفه مستحاضه قبل از عمل استحاضه جایز است یا نه ج
احوط ترک است الا بعد از غسل س (۱۶۶) هرگاه ضعیفه مستحاضه وضو گرفت
از جهت نماز قبل از نماز و در بین نماز خون دید تکلیفش چیست ج تمام کند
س (۱۶۷) انقطاع استحاضه چگونه معلوم میشود ضعیفه امروز خون دید
و دیگر ندید و روز بعد بد تکلیفش چیست جواب آن روز در پاک است

فصل در احکام نفاس است

س (۱۶۸) خون نفاس در چه وقت متحقق میشود ج بعد از ولادت تا ده روز
س (۱۶۹) خون قبل از ولادت چه حکم دارد ج استحاضه است مگر با امکان

حیض بودن با اینکه شرایط حیض در ان باشد و ده روز میان ان و میان نفاس
فاصله باشد پس حیض است س (۱۲۰) هرکاه منجمد بعد از تولد خون بیند و از
ده روز تجاوز نمود چکند ج ده روز را نفاس قرار دهد و باقی استحاضه

فصل در احکام میت است

س (۱۲۱) بر کفن میت قران نوشتن جایز است یا نه ج جایز است س (۱۲۲)
دفن میت در حسینیه که وقف بر تعزیه جناب سید الشهداء علیه السلام
است جایز است یا نه ج جایز نیست س (۱۲۳) دفن میت در ملکی که وقف
اولاد است جایز است یا نه ج جایز نیست س (۱۲۴) هرکاه میتی را در
حسینیه وقف دفن نموده اند از روی جهل بمسئله حال تکلیف چیست ایا
باید نبش قبر نماید یا راه خلاصی هست ج دفن در ان مشروع
نیست و نبش نباید نمود مکر در صورتیکه هتک شریعت بوده باشد س (۱۲۵)
هرکاه میتی دفن نمودند بقصد انکه بعد او را بمشاهد مشرفه ببرند در اینصورت
نبش قبر او را نمایند و ببرند جایز است یا نه ج بلی جایز است اکر مستلزم هتک
و مثله نباشد س (۱۲۶) هرکاه میتی را دفن نمودند بعد از مدتی او را میل
دارند که میت را نقل بمشاهد مشرفه نمایند جایز است یا نه ج جایز است
بهمان شرط س (۱۲۷) اکر یکی از اغسال واجبه وارده از میت فراموش شده
باشد بعد از دفن بخواهد نبش نماید چه صورت دارد ج اکر متغیر نشده است
بیرون اورند و غسل را تمام کنند و نماز را اعاده نمایند و اکر خوف
تغیر باشد ساقط است س (۱۲۸) میتی را غسل دادند بعد از دفن معلوم

شد که ظرف اب غسل نجس بوده نبش قبر او واجب است یا نه ج اکر مستلزم
هتک احترام میت نباشد و عسر و حرجی نداشته باشد جایز است بلکه
لازم است س (۱۷۹) کسانیکه مباشر غسل میت میشوند ترشح میت
برخت و بدن ایشان میشود بعد از غسل ثلث بالتمام پاک میشود یا نه
ج بعد از اتمام غسل همه اینها پاک است س (۱۸۰) شخصی فوت شده
کفن یا کافور در ان جا نبود و فعلا ممکن نیست یا جایز است یک روز زیاده
دفن او جهت تحصیل کفن یا کافور تاخیر نمایند یا نه
ج اکر در معرض تغیر باشد تاخیر جایز نیست س (۱۸۱) هرکاه میت
کفن یا کافور یا هیچکدام نداشته باشد ایا لازم است قرض کردن جهت
اینها یا نه ج قرض کردن جهت کفن و کافور لازم نیست مکر انکه میت
ترکه داشته باشد س (۱۸۲) جایز است تاخیر انداختن یکشبانه روز
دفن میت را تا از ده دیگر کسی را جهت نماز او حاضر نمایند یا نه ج
بلی لازمست اکر متغیر نشود س (۱۸۳) میتی را دفن کردند و بعد
معلوم شد که پیش از دفن نمودن برای نماز کذارده اند تکلیف چیست
ج اکر پیش از کذشتن یکشبانه روز قصد کنند نماز را بر قبر او کذارند
والا ساقط است س (۱۸۴) در نماز میت عدالت شرط است یا نه ج
نه س (۱۸۵) در جماعت نمودن نماز میت عدالت امام شرط است یا نه ج
بلی شرط است س (۱۸۶) در نماز میت طهارت لازم است یا نه ج نه
س (۱۸۷) نماز لیلة الدفن مستحب است یا واجب ج مستحب است

فصل در احکام تیمم است

س (١٨٨) شخص مسافر از خواب بیدار شد دید که محتلم شده و وقت غسل نمودن بجهة نبودن قافله ندارد و هرگاه برود احتمال دارد که در منزل دیگر آب پیدایش ممکن نشود و قضا هم نماز نکرده تکلیفش چیست ج اگر خوف ضرر دارد در تخلف از قافله تیمم کند و برود س (١٨٩) از غبار لباس غصبی تیمم جایز است یا خیر ج جایز نیست س (١٩٠) تیمم بدل از غسل جنابت رفع از حدث میکند یا فقط اباحه میاورد ج همانا اباحه میاورد س (١٩١) تیمم بدل از غسل اگر بشکند بحدث اصغر تکلیف چیست ج اعاده تیمم کند بدل از غسل س (١٩٢) در تیمم بدل از وضوء یا غسل یک ضرب کافیست یا نه ج احوط جمع است س (١٩٣) جنب یا حائض که تکلیفش تیمم است و تیمم کرد میتواند در مسجد مکث کند یا نه جواب احوط ترک است

فصل در احکام اوانی است

س (١٩٤) استعمال سرقلیان طلا و نقره جایز است یا نه ج ضرر ندارد س (١٩٥) استعمال ساعت شکاری که در سابق متداول بوده طلا و نقره جایز است یا نه ج جایز نیست س (١٩٦) خرید و فروش ظروف طلا و نقره بدون استعمال بعنوان تجارت جایز است یا نه ج مشکل است مگر بعد از شکستن س (١٩٧) استعمال قاشق چای خوری نقره چه صورت دارد ج احوط ترک است س (١٩٨) استعمال ظروف مطلا جایز است یا نه جواب اگر زینتش نقره نباشد ضرر ندارد

کتاب

کتاب صلوة

فصل در قبله است س (١٩٩) در تعیین قبله میتوان اعتماد بر مقابر علما نمود یا نه ج اعتماد بران جایز است س (٢٠٠) قول صاحب خانه در تعیین قبله مسموع است یا نه ج مسموع است با عدم امکان تحصیل علم س (٢٠١) هرگاه شخص عاجز از تعیین قبله باشد چه کند ج عمل بمظنه کند و اگر ممکن نباشد بچهار سمت نماز کند س (٢٠٢) در بلاد کفار مسجد خرابه پیدا شود که نداند مال مسلمانانست یا مال کفار اعتنا بقبله او هست یا نه ج

فصل در لباس مصلی است

س (٢٠٣) هرگاه شخص بعد از نماز شک کند که نجاستی که در بدن یا لباس بوده شسته یا نه چه کند ج آن نماز صحیح است و از برای نماز دیگر تطهیر نماید س (٢٠٤) هرگاه اجزای خود شخص مثل انگشت بریده یا دندان یا چیز دیگر همراه نمازگذار باشد در جیب یا بغل جایز است یا نه ج انگشت بریده جایز نیست چون میته است و دندان و ناخن ضرر ندارد س (٢٠٥) دستمال ابریشمی به بندند بر کلاه و با او نماز کنند جایز است یا نه ج جایز نیست از برای مرد س (٢٠٦) در اذان اشهد ان علیا ولی الله را باید گفت یا نه ج واجب نیست گفتن آن بلکه اگر بگوید بقصد جزئیت اذان نگوید س (٢٠٧) عمامه نجس در حال نماز بر سر گذاشتن و کمربند نجس را بستن جایز است یا نه ج کمربند ضرر ندارد و در عمامه احوط ترک است س (٢٠٨) لباس نجس را کندن

در

در حال نماز و در جیب گذاشتن جایز است یا نه ج اگر جاهل بنجاست
آن بوده ضرر ندارد لکن احوط اعاده است

فصل در مکان مصلی است

س (٢٠٩) صورت مجسمه یا بر کاغذ در خانه باشد در اطاق چه حکم دارد ج
هر گاه در قبله مصلی باشد موجب کراهت صلوة است س (٢١٠)
زن و مرد در برابر هم نماز میتوانند بکنند یا نه ج مکروه است مگر با
حایل یا فاصل ده ذراع س (٢١١) هر گاه بحصیر مسجد نجاست رسیده
قبل از ازاله نجاست با وسعت وقت شخص میتواند در آن مسجد نماز کند یا نه
ج با امکان ازاله تاخیرش مشکل است س (٢١٢) در زمین موقوفه
که مسجد بنا کنند حکم مسجد بر آن هست یا نه ج نه س (٢١٣) خواندن
نماز در کشتی و طراده در حال حرکت چه صورت دارد ج جایز است اگر
بتواند با همه اجزاء و شرایط بعمل آورد و حرکت خود کشتی مضر نیست س (٢١٤)
اگر طلبه در مدرسه تحصیل علم نکند و بر خلاف وقف باشد نماز او در
آن مدرسه چگونه است ج نماز باطل نیست س (٢١٥) مرد و زن
اجنبی در حجره خلوت نماز بخوانند چه صورت دارد ج نماز باطل
نیست س (٢١٦) روی فرش نجس شبهه محصوره نماز کردن چه
صورت دارد ج ضرر ندارد س (٢١٧) امام عادلی در مسجدی
نماز میخواند فوت شد پسرش یا آنکه عادل نیست بعد از فوت پدرش
در آن مسجد نماز میخواند میشود او را منع کرد از مسجد و امام عادلی را

وادارند بجای او یا خیر ج اگر عادل نیست چگونه با او نماز
میخوانند و اگر تمام مومنین او را عادل میدانند پس منع نمیشود او را منع
نمود والله العالم س (٢١٨) شخصی وارد مسجدی شود و امام راتب
آن حاضر نیست در خانه خود میباشد هر گاه این وارد بدون اینکه
از آن امام با جماعت نماز بخواند نماز وارد و تمام مومنین باطل
یا نیست اما در صورتیکه اعراض او مظنون باشد بلکه معلوم ج
باطل نیست س (٢١٩) کارد یا چاقو که دسته آن استخوان مجهول
الحال باشد از برای نماز کردن چه صورت دارد ج ضرر ندارد
س (٢٢٠) ترک نمودن اذان و اقامه در نماز عمداً جایز است یا نه
ج ضرر ندارد س (٢٢١) در مسجدیکه امام راتب آن مشغول نماز
است و کسی وارد شود بخواهد نماز فرادی بکند اذان و اقامه از او
ساقط است یا نه ج خیر

فصل در نیت است

س (٢٢٢) مراد از نیت چیست ج داعی بر عمل است با قصد
قربة س (٢٢٣) ضم ریاء با قربه مبطل است یا نه ج بلی مبطل
است س (٢٢٤) ریاء در بعض اجزاء مبطل است یا نه ج
مبطل همان جزء است و بسبب آن اصل عمل سؤال (٢٢٥) عجب بعد از
عبادت مبطل است یا نه ج نه س (٢٢٦) حبس بول در نماز
در صورت استقرار جایز است یا نه ج اگر مضر ببدن نباشد
جایز است علی کراهة س (٢٢٧) شخص مصلی تکبیرة الاحرام را

کمتر شک کرد که نیت کرده بود یا نه ج نیت کند و تکبیر را اعاده کند علی الاحوط س (۲۲۸) مصلی میخواهد نماز مغرب بخواند سهواً نیت عشاء کرده تکلیفش چیست ج تا محل باقی است عدول کند بمغرب س (۲۲۹) محل عدول از عشاء بمغرب تا چه وقت از نماز است ج تا رکعت سیم س (۲۳۰) مصلی نماز عشاء را سهواً نیت مغرب کرده جواب اعاده کند

فصل در قیام است

سؤال (۲۳۱) در حال قیام بیکپا ایستادن چه صورت دارد ج با تمکن ایستادن با دو پا لازم است س (۲۳۲) کسی در حال قیام انگشتان پا خود را حرکت بدهد چه صورت دارد ج ضرر ندارد سؤال (۲۳۳) در نماز کسی راه برود چه صورت دارد ج در حال قرائت مبطل است و در حال سکوت تا بحدی که از هیئت نماز گذار بیرون نرود ضرر ندارد س (۲۳۴) شخص قران در دست دارد و میخواند شخصی وارد شود جایز است قیام نمودن از جهت او یا نه ج ضرر ندارد

در احکام قرائت است

س (۲۳۵) کسیکه قرائت را نیکو نمیداند برا او واجب است که بجماعت نماز کند یا نه ج اگر متمکن نیست از یاد گرفتن یا آنکه وقت تنگ است واجب است بجماعت نماز کند س (۲۳۶) در مواردیکه باید حمد و سوره را بجهر خواند هرگاه باخفات بخواند آیا نماز باطل است یا نه ج هرگاه عمداً بخواند باطل است سؤال (۲۳۷) هرگاه نماز گذار حمد را خواند سهواً رفت برکوع

آیا لازم است برگردد سوره را بخواند یا نه ج لازم نیست س (۲۳۸) در ضیق وقت میتوان بحمد تنها اکتفا نمود یا نه ج بلی س (۲۳۹) نماز ظهرین را کسی جهر بخواند باطل است یا نه ج اگر عمداً باشد باطل است و اگر سهواً باشد یا جهلاً ضرر ندارد

در احکام رکوع است

سؤال (۲۴۰) هرگاه شخص ممکنش نشود خم شدن از جهت رکوع چه کند ج بقدریکه ممکنست خم شود و اگر هیچ ممکن نیست ایماء باسر کند س (۲۴۱) هرگاه شخص در رکوع بقدری خم شد که انگشتانش بزانو برسد کافیست یا نه ج کافی است س (۲۴۲) هرگاه شخص شک کند که برکوع رفته است یا نه چه کند ج اگر پیش از فرو رفتن بسجود است رکوع را بعمل آورد و اگر بعد از آنست اعتنا نکند س (۲۴۳) هرگاه شخص رکوع را فراموش کرد و رفت بسجده هنوز ذکر نخوانده متذکر شد چه کند ج نماز باطل است

فصل در احکام سجود است

س (۲۴۴) سجده بر تسبیح پخته کربلا انشاهی چه صورت دارد جواب در حال اختیار احوط ترک است س (۲۴۵) سجده بر آجر و گچ چه صورت دارد ج ضرر ندارد س (۲۴۶) سجده بر پارچه ریسمانی و بر ابریشمی و کاغذ جایز است یا نه ج بر کاغذ جایز است و بر ابریشم و ریسمان جایز نیست س (۲۴۷) سجده نمودن بر مهریکه اسماء خمسه طاهره بر آنها است چه صورت دارد ج جایز است س (۲۴۸) سجده نمودن بر مهری که چرک میباشد جایز است یا نه ج اگر حایل نباشد جایز است س (۲۴۹) آیا در سجده واجب باید

که وسط جبهه بر ما یصح السجود علیه واقع شود یا هر جزئی از جبهه باشد کافیست ج وضع مسمّی کافی است از هر جزء که باشد س (۲۵۰) در سجده از جهت تلاوت قرآن وضع اعضای سبعه لازم است یا نه ج بلی لازم است علی الاحوط

در تشهد است

س (۲۵۱) هرگاه شخص در نماز دوم یقین کرد که تشهد نماز سابق را عمل نیاورده تکلیف چیست ج بعد از نماز قضاء کند آنرا با سجود سهو س (۲۵۲) هرگاه شخص تشهد را فراموش نمود بعد از قیام در حین تسبیحات متذکر شد چه کند ج بنشیند و تشهد را بخواند سؤال (۲۵۳) هرگاه شخص تشهد را فراموش کرد و بعد از سلام متذکر شد تکلیفش چیست ج تشهد را قضا کند با دو سجدهٔ سهو واجب

در سجدهٔ سهو

س (۲۵۴) در چند مورد سجدهٔ سهو واجب میشود ج در پنج مورد معروف یعنی سلام بیجا و کلام بیجا و از برای فراموشی سجدهٔ واحده و فراموشی تشهد و شک میان چهار و پنج بعد از اکمال سجده س (۲۵۵) شخص بعد از نماز سجدهٔ سهو را فراموش کرده تکلیفش چیست ج هر وقت متذکر شد بجا آورد س (۲۵۶) نماز جمعه شخص بخواند نماز ظهر ساقط است یا خیر ج ساقط نیست در این زمان س (۲۵۷) تسبیح بعد تکبیر در صلوة کافیست یا نه ج در حال ضیق وقت و استعجال ضرر ندارد

فصل در احکام نمازهای مستحبی است

س (۲۵۸) شخص مسافر نماز شب را میتواند بخواند یا نه ج بلی میتواند

سؤال (۲۵۹) فضیلت نماز شب چه وقت است ج در ثلث آخر شب و هر چه بصبح نزدیکتر باشد س (۲۶۰) نماز عیدین در این زمان جائز است یا نه جواب احوط ترک است

فصل در احکام نماز قضا است

س (۲۶۱) در نماز قضاء ترتیب را لازم میدانید یا نه ج اگر ترتیب معلوم باشد لازم است و الا فلا س (۲۶۲) در قضای استیجاری ترتیب لازم است یا نه ج لازم نیست س (۲۶۳) کسی نماز ظهر و عصر بذمه دارد لکن نمیداند چند یوم است تکلیفش چیست ج آنقدر بکند که بفراغ ذمه ظن حاصل نماید س (۲۶۴) شخصی که قضای یقینی بر ذمه دارد رخصت میفرمائید نمازهای مستحبی را بکند یا نه جواب جائز است انشاء الله خصوصاً با اشتغال بقضاء س (۲۶۵) هرگاه شخصی نماز خفتن را فراموش کرده و خوابید تا صبح قضاء تنها کافیست یا نه ج احوط روزه گرفتن آن روز است س (۲۶۶) اولاد ذکور اگر قضای والدینش را بجا نیاورد آیا بر او چیزی هست یا خیر ج نمازهائیکه در مرض موت از او فوت شده قضای آن بر پسر بزرگ واجب است

فصل در احکام نماز جماعت است

سؤال (۲۶۷) در عدالت امام حسن ظاهر کافیست یا نه جواب بلی کافیست س (۲۶۸) دو نفر ظاهر الصلاح شهادت بعدالت امام کافیست یا نه ج بلی کافی است س (۲۶۹) هرگاه در حال

وسعت وقت اول دو درنماز است و تعیین او را صدا کنند و جواب ندهد
نمازش چه صورت دارد ج صحیح است س (۲۷۰) ریزه های طعام
در نماز فرو بردن چه صورت دارد ج عمداً مشکل است سؤال (۲۷۱)
بعد از نماز احتیاط یا در بین نماز احتیاط شخص متذکر شد که چیزی در
نماز کم شده اعاده لازمست یا نه ج اگر بعد از فراغ از احتیاط ملتفت
که بجهت تدارک آن نقص نموده است اعاده لازم نیست و در غیر آن
اعاده نماید سؤال (۲۷۲) نماز مستحبی در حال رکوع و سجود با ایماء
جایز است یا نه ج ضرر ندارد س (۲۷۳) هرگاه ماموم قبل از امام
سلام واجب بدهد چه صورت دارد ج ضرر ندارد سؤال (۲۷۴)
ماموم برکعت سیم امام رسید و در رکعت چهارم امام و دوم خودش
قرائت را فراموش کرد و متابعت امام کرد نمازش چه صورت دارد ج
صحیح است س (۲۷۵) شخص در نماز ظهر اقتداء میکند و قصدش این
است که هر دو را بنماز ظهر امام اقتداء نماید چه صورت دارد ج
ضرر ندارد س (۲۷۶) امام جماعت تکبیر میگوید و بعضی از ماومین
صف اول نیز تکبیر میگویند یا از برای صفوف متاخره همین کفایت
میکند که تکبیرة الاحرام بگویند یا باید صبر نمایند تا تمام ماومین صفهای
سابق ببندند ج مهیا بودن صفوف سابقه کافیست باین معنی
که مشغول نیت یا تکبیرات مستحبه باشند س (۲۷۷) حایلی بین امام و
ماموم باشد که در حال سجده بعضی از ماومین امام را نبینند چه صورت دارد

ج اگر مخصوص حال سجده باشد ضرر ندارد س (۲۷۸) ائمه جماعت
که نماز یومیه را تکرار میکنند اقتداء نمودن با ایشان چه صورت دارد ج
ضرر ندارد سؤال (۲۷۹) شخص در حال غیظ و غضب نسبت بدیگری
حرامزاده یا ولد الزنا گفت فاسق است یا نه ج اگر باختیار گفته فاسق
میشود س (۲۸۰) هرگاه شخص از گناهان متعدده یکدفعه توبه
کند صحیح است ج صحیح است سؤال (۲۸۱) توبه چه چیز است ج
پشیمانی است بر گذشته و عزم بر ترک است در آینده س (۲۸۲) در
صفوف جماعت حال ایشان معلوم باشد که تقلید صحیح ندارند یا آنکه
احکام نماز جماعت را نمیدانند یا در عقب این صفوف میشود ایستاد
یا نه ج تا بطلان نماز آنها معلوم نباشد ضرر ندارد س (۲۸۳)
در حال انعقاد جماعت میتواند کسی میان جماعت بایستد و فرادی نماز کند
یا نه جواب مانعی ندارد

فصل در احکام صلوة مسافر است

سؤال (۲۸۴) شخص مسافر در بلد یکماه تمام مردد مانده حال هم
مردد است چه کند ج بعد از سی روز تمام کند س (۲۸۵) هرگاه
کسی کمتر از هشت فرسخ و زیاده از چهار فرسخ برود در یوم واحد و
خیال کمتر از ده روز ماندن دارد تکلیفش چیست ج قصر کند
س (۲۸۶) شخص اگر در مرکز چه در طهران چه در کاظمین چه در نجف
باشد میتواند از طهران تا شاه عبدالعظیم و از کاظمین به بغداد و

بعد بگو غیر بود قصد بطم میخورد یا نه ج بهم نمیخورد سؤال (۲۸۷)
شخص وارد شهری شده با قصد اقامه یکماه روزا تمام کرده بعد پشیمان شد
میتواند عدول بقصر نماید یا نه ج باید اتمام نماید تا هست

فصل در احکام صوم است

س(۲۸۸) زید در شب رمضان با حلال خود جماع کند و یقین دارد
که تا صبح اسباب غسل مهیا نشود در اینصورت جماع کرده جایز است یا نه و روزه اش
چه صورت دارد ج اگر تیمم ممکن است ضرر ندارد س(۲۸۹) فراموش
کند غسل جنابت در ماه رمضان چند روزها قضا دیر او هست یا خیر
ج باید قضا کند س(۲۹۰) شخصیکه عادی بتریاک است هرگاه
یکروز او ترک شود احتمال خوف و انقلاب در مزاجش میباشد در وقت
سحور خوردن فراموش نمود و فجر طالع شد در اینصورت تکلیفش چیست
ج چندان صبر کند تا خوف ضرر غالب شود آنگاه تریاک بخورد و
امساک کند و قضاء بگیرد س(۲۹۱) شخص صائم آروغ بزند بی
اختیار که طعام از حلقش بیرون آید و بی اختیار برگردد از فضای دهن
حکمش چیست ج روزه اش صحیح است س(۲۹۲) هرگاه شخص در شب
رمضان غذائی را احتمال یا یقین کند که هرگاه بخورد مستلزم قی خواهد
شد در روز با وجود این بخورد روزه اش چگونه است ج صحیح است
س(۲۹۳) مرو بنا و رد مگس و بخوان از حلق داخل در قی میباشد یا نه
ج نه سؤال (۲۹۴) هرگاه از روی غفلت بود با غبار غلیظ بحلق روزه دار

برسد چه صورت دارد ج ضرر ندارد س(۲۹۵) هرگاه صائم قصد
افطار بکند در رمضان و افطار نکند روزه اش چه صورت دارد ج
اگر برگردد بنیت اول ضرر ندارد س(۲۹۶) افطار با غایت از روی تقیه
قبل از وقت جایز است یا نه ج بلی ولی قضاء لازم است س(۲۹۷)
هرگاه کسیرا اکراه و جبر نمایند با فطار یا چیزیرا بجبر بریزند بحلق او روزه اش
چه صورت دارد ج صحیح است س(۲۹۸) هرگاه از جهت صائم تشنگی یا
گرسنگی بحدی شود که منقلب گردد تکلیفش چیست ج بخورد بقدر دفع
ضرر و قضاء کند س(۲۹۹) کسیکه قدرت بشناختن فجر داشته باشد و اعتنا
بفجر ننموده چیزی بخورد بعد معلوم شود صبح بود حکمش چیست ج روزه اش
صحیح است س(۳۰۰) هرگاه شخص شک یا ظن کند بطلوع فجر معذلک
بخورد و بعد معلوم شود صبح بوده حکمش چیست ج قضاء واجب است
س(۳۰۱) هرگاه شخص بخورد چیزیرا با شک در طلوع فجر بعد ظن حاصل
کند حکمش چیست ج اعتناء نکند س(۳۰۲) استعمال عطریات و
ریحان در ماه رمضان جایز است یا نه ج بلی سؤال (۳۰۳) از برای
صائم فصد و حجامت نمودن جایز است یا نه ج مکروه است اگر سبب ضعف شود
س(۳۰۴) خواندن ابیات و اشعار از جهت صائم جایز است یا نه ج
مکروه است مگر مرثیه س(۳۰۵) مسواک نمودن زیاد از جهت صائم
جایز است یا نه ج بلی س(۳۰۶) تأخیر قضای رمضان با ضیق وقت جایز
است یا نه ج نه س(۳۰۷) هرگاه شخص قضای رمضان را نگیرد تا چند

سال بگذرد حکمش چیست ج قضا کند و یک مد بدهد سؤال (۳۰۸)
هرگاه در ماه رمضان کسی قصد مسافرت نموده هنوز بحد ترخص نرسیده
افطار نماید با جهل بعدم جواز حکمش چیست ج هرگاه جاهل قاصر باشد
قضا نماید و اگر جاهل مقصر باشد قضا و کفاره لازم است س (۳۰۹)
از مسافر روزه مستحبه صحیح است یا نه ج احوط ترک است مگر سه روز در مدینه
س (۳۱۰) از مسافر روزه نذر صحیح است یا نه ج اگر مقید بسفر باشد صحیح است
س (۳۱۱) کسیکه روزه قضاء بذمه دارد روزه مستحبی را میتواند بگیرد یا نه
ج نه سؤال (۳۱۲) هرگاه مسافر سفر کند قبل از ظهر و لو بربع ساعت
افطار نمودنش لازم است یا نه ج بلی س (۳۱۳) مسافر قبل از ظهر
بوطنش میرسد تکلیفش چیست ج اگر افطار نکرده نیت کند روزه بگیرد
س (۳۱۴) بمجرد شهادت عدلین برؤیت هلال افطار نمودن جایز است یا بحکم حاکم
شرع باید ثابت شود ج شهادت عدلین کافیست در وجوب افطار س (۳۱۵)
در رؤیت هلال چهار زن عادل شهادت ایشان کفایت از دو مرد میکند یا نه
ج نه سؤال (۳۱۶) در رؤیت هلال شهادت یکمرد عادل و دو زن
عادل کافیست یا نه ج نه سؤال (۳۱۷) در ماه رمضان هرگاه کسی سر را
در زیر آب برد و داخل باطن گردد از جهت غسل چه صورت دارد ج ضرر
ندارد س (۳۱۸) بمجرد شک در ضرر صوم خود دارد تکلیفش چیست ج
اگر خوف ضرر عقلائی باشد افطار کند سؤال (۳۱۹) اگر کسی کفاره زیاد
بر او باشد و قوه عتق رقبات یا اطعام مساکین بعدد کفارات نداشته باشد

و قوه ندارد که در عوض همه کفارات روزه بگیرد تکلیف چیست ج هرگاه
چیزی ندارد و طاقت روزه دوماه را ندارد استغفار کند بعوض کفاره
هر روز یک مد بدهد س (۳۲۰) بکفاره ماه رمضان اطعام شصت مسکین
متفرقا طعام میتوان کرد یا نه ج میتوان متفرقه بدهد س (۳۲۱) کفاره
قضاء رمضان کسیکه بدون عذر تاخیر بیندازد تا بعد از رمضان دیگر هر نفری
چه اندازه است ج هر روزی یک مد طعام است و احوط دو مد است س (۳۲۲)
بیک فقیر بیش از مد بهر یکروز میتوان داد یا نه ج بلی جایز است مگر اینکه
فقیر جهت سؤال (۳۲۳) فدیه هر روزی را میتوان بدون عذر تاخیر انداخت
از آن روز بجهة قضاء را میگیرد یا نه ج تاخیر از قضا ضرر ندارد انشاء الله
س (۳۲۴) کفاره رمضان تمامی را بسید میتوان داد یا نه ج کفاره بسید
دادن ضرر ندارد سؤال (۳۲۵) مقدار دادن کفاره هر نفری چه قدر است
ج یکمد است س (۳۲۶) میزان مد چه قدر است ج مقدار مد [illegible]
بلکه بیشتر است الا چند مثقال س (۳۲۷) هرگاه کسی بخواهد کفاره قضا
وجه آنرا بدهد میتواند یا نه ج دادن وجه مشکل است س (۳۲۸)
کفاره ماه رمضان را باید بفقیر بدهند و شش نوبت جایز است یا نه ج بشصت نفر
باید بدهند س (۳۲۹) در یکمجلس باید کفاره را بشصت فقیر بدهند یا نه ج
اتحاد مجلس شرط نیست

فصل در احکام زکوة است

س (۳۳۰) شرایط زکوة در نقدین چیست ج اول مسکوک باشد
بسکه رایج دوم آنکه سال بگذرد در ملک او سیم آنکه بقدر نصاب باشد چهارم

انکه صاحبش مکلف باشد و متمکن باشد از تصرف در ان س (٣٣١) اجناس
زکوة بر ان تعلق میگیرد کدامست ج شتر و گاو و گوسفند و در پول طلا
و نقره و گندم و جو و خرما و کشمش س (٣٣٢) نصاب پول نقد چندانست ج
در طلا بیست دینار و زکوة ان نیم دینار است و چون چهار دینار زیاد شود در ان
دو قیراطست س (٣٣٣) دینار چقدر است ج هیجده نخود است س (٣٣٤)
قیراط چقدر است ج هر بیست قیراط هیجده نخود است س (٣٣٥) زکوة
نقره چقدر است ج در نصاب اول دویست درهم است و در ان پنج درهم واجبست
چون چهل درهم زیاد شود در ان یکدرهم لازمست و همچنین هر چه زیاد شود
هر چهل درهم یکدرهم لازمست س (٣٣٦) درهم چقدر است ج تقریبا
سیزده نخود است س (٣٣٦) زکوة در غلات چقدر است ج اگر بارا
یا اب چشمه یا جوی ابخورده باشد زکوة او ده یک است و اگر از دلو اب خورده
باشد ده نیم است س (٣٣٧) نصاب در غلات چند است ج دویست و
هشتاد و هشت من تبریز الا کسریست س (٣٣٨) وجه اجاره زمین وضع میشود
یا نه یا نصیب ملاحظه نصاب بعد از وضع وجه اجاره زمین باید نمود یا قبل از ان
ج بعد از وضع است مگر انکه زمین ملک خودش باشد س (٣٣٩)
اخراجات متعلقه بعد از بسته شدن حب هم داخل در اخراجات قبل از بسته
شدن حب است یا خیر ج بلی هر دو موضوع میشود سؤال (٣٤٠) نصاب
غله بعد از وضع خراج سلطان است ج بعد از خراج لازمست و قبل از تعلق
علی الاحوط مسئول (٣٤١) نقل زکوة از بلدی ببلد دیگر در صورت بودن

مستحقین

مستحقین زکوة ایا جایز است یا نه و اگر این کار را کرد یا بود در این شان ضامن
است یا نه ج نقل ان مکروهست در صورت وجود مستحق و ناقل ان ضامن
است در صورت تلف س (٣٤٢) تاجری مالی را از برای تجارت خرید
بحد نصاب هم رسید و سال هم بر ان گذشت زکوة واجب گردد یا مستحب
ج زکوة واجب را بدهد س (٣٤٢) چهل گوسفند را مالک است
و دو راس از انرا امیر و اغا که بکشد یا این دو راس داخل در نصابست
یا نه ج اگر سایمه نباشند داخل عدد نیست س (٣٤٣) وجه
نصاب را میدهد هر ساله فرش وغیره میخرد نه از برای تجارت و مقصودش
فرار از زکوة است یا با این قصد مواخذ است یا نه جواب مواخذه
ثواب اجر و نا ستم بر انست س (٣٤٤) نوط و اسکناس را یا در حکم
پول نقد است در زکوة یا نه ج زکوة ندارد س (٣٤٥) بز و گوسفند که
از پشم و پشت سال را درست میکنند و بشکل او را بجهت زراعت جمع
میکنند و دو غاش را خرج سال مینمایند یا این گوسفندها هم از
مؤنه حساب میشود ج بلی از مؤنه است س (٣٤٦) برادر
میتواند فطره و زکوة خودش را بخواهر و برادر ضعیف خودش بدهد یا نه
ج بلی میتواند س (٣٤٧) عاملین زکوة باید عادل باشند یا
ج بلی باید عادل باشند س (٣٤٨) در عرض سال قرض این
السلطان چیزی را میدهد و قران کمتر میگیرد در این صورت زکوة
ساقط میشود یا خیر ج بلی ساقط است س (٣٤٩) زید زکوة

مصرف نماید بعد از چندی معلوم شد که این شخص استحقاق نداشته یا آنکه
دین از ذمه‌اش ساقط شده و اخذ زکوة در این صورت ضامنست یا نه جـ اگر مال
عزل نموده و تقصیر نکرده ضامن نیست و اخذ ضامن است اگر بعنوان
زکوة گرفته سؤال (٣٥٠) اصل دادن زکوة مال خود را مخارج نمودی
که منفعتش راجع بخود شان نمیشود بدیگران نمایند کفایت میکند یا باید
تجدید زکوة نماید یا نه جـ باید تجدید زکوة نماید س (٣٥١)
در صورت امکان از غلات که معمول است آنها را در زکوة فطره از قبیل لوبیا
و پیاز دادن و در ضعیفها هر کدام از آنها قوت غالب باشد کافیست یا نه جـ
کافی است با ملاحظه قیمت س (٣٥٢) شخص مسافر در بلد خودش
او دعاء فقیر را دادن یا میتواند فطره مسافرا از جهت ایشان نگه دارد
بعد برساند یا خیر جـ هر گاه عزل نمود تأخیر و نقل جایز است لکن
با وجود مستحق اگر تلف شود ضامن خواهد بود س (٣٥٣) زن بی خمس؟
شوهرش از مال شوهرش بدهد زکوة را از شوهرش بری میشود یا نه
جـ بری میشود در صورتیکه بخود او داده است بدون اذن.

فصل در احکام خمس است

س (٣٥٤) شخص خمس بدهد عوض خمس بعد از قیمت کردن و قبول کرده
جایز است یا نه جـ جایز است س (٣٥٥) شخص خمس را که نصفش سهم امام
را نمیداند بمجتهد یا وکیلش کافیست یا نه جـ کافیست س (٣٥٦)
شخص با مالیکه خمس نداده لباس بخرد و با آن نماز کند صحیح است یا نه جـ

صحیح است س (٣٥٧) شخص غرس نماید اشجار میوه و غیره که از ثمره آنها امر
معاشش شود آیا بعد از سال خمس بر عین هم تعلق میگیرد یا بر ثمره تنها
تا نمائی باشد تا سال دیگر جـ بر عین آنها چیزی نیست س (٣٥٨)
حاکم جور مالی جمع کرده از رعیت بعضی برده و بعضی بفقرا رفع چونکه حاکم
رفع ظلم از ایشان نشود و بعضی هم از ملک خود و مخلوط هم شده آیا بر چنین
مالی خمس بعد از سال تعلق میگیرد یا نه و تصرف از برای او حلال است یا نه
جـ این مال مخلوط بحرامست اگر مقدار و مالک هر دو مجهول باشند
خمس بر آن واجب میشود و بعد از ادای آن ما بقی حلال میشود س (٣٥٩)
چند نفر سید فقیر بشخصی وارد شوند ایشان را مهمانی کند عوض خمس
میتواند حساب کند یا نه جـ بعید نیست بتواند هر چند احوط عدم
حساب است س (٣٦٠) شخصی خانه موروثی خود را فروخته وجه آنرا بنوع
قرض داده و منفعتی نموده آیا سال بر او بگذرد اصل تنخواه خمس دارد
یا نه جـ اگر منفعت ملک بتو حلال باشد خمس در آن لازم نیست س (٣٦١)
طلائی از پول شوهر و پدر یا و سید؟ فروخته وجه آنرا بقرض داده منفعتی
سال بر او بگذرد خمس دارد یا نه جـ اگر منفعت بتو حلال باشد خمس در آن
لازم نیست س (٣٦٢) زنی که از مداخل ملک خود خرید یا شوهر یا او داده شود
یا پوشیده باشد سال بر او بگذرد خمس دارد یا نه جـ آنچه از مداخل ملک
خرید و زائد بر لوازمشان باشد خمس دارد س (٣٦٣) کسی از وجه مداخل
ملک موروثی و بعد از دادن زکوة آن خرید اگر سال بر او بگذرد آیا خمس دارد یا

ج بلی دارد چون زائد بر مؤنه است س (۳۶۴) طلای ساخته که سالها استعمال
شده است خمس دارد یا نه ج اگر از مداخل خریده و زائد بر لوازم است خمس
دارد س (۳۶۵) کندم و جو بشوهر مهر داده بعد از کذشتن یکسال شوهر رد
کرده خمس دارد یا نه ج اگر از زراعت بوده خمس دارد س (۳۶۶) سهم
امام را بغیر از مستحقین خود شان باذن مجتهد بدهید یا نه ج مخصوص سادات
است باذن مجتهد عادل س (۳۶۷) در بعضی رودخانه‌ها تابستان نمک می‌بندد
و خلق از آنجا نمک بجهت خانه خود می‌آورند ده من زیادتر زیاد می‌آورند از سال
خمس دارد یا نه ج از باب معدن خمس از اول باید بدهند اگر بقدر نصاب
بشود و نصاب در معدن بیست اشرفی است س (۳۶۸) گل سرشوی که هر کس از
جهت ذخیره میخرد هرگاه از سال زیاد آید خمس دارد یا نه ج اگر پول
آنرا از ارباح مکاسب داده آنچه خمس زیادتی را باید بدهد س (۳۶۹) شخصی
مقداری وجهی از جهت حج و زیارت عتبات کنار کذارده و آن وجه مدتی مانده و حج
کرده و نه زیارت حال این خمس و زکوة دارد یا نه ج زکوة متعلق میشود و
هرگاه از ارباح مکاسب باشد خمس هم متعلق میشود س (۳۷۰) برنج و قند
و چای و هیمه و ذغال و سایر متعلقات که ذخیره شده بجهت خانه و از سال زیاد
آید خمس دارد یا نه ج اگر از ارباح تحصیل شده خمس آنها را باید بدهد س (۳۷۱)
با بودن فقراء و سادات و مساکین در بلد جایز است خمس و زکوة به بلد دیگر
ببرند یا نه ج بلی جایز است علی کراهة و ضامن است اگر تلف شود س (۳۷۲) شخص
لباسها از برای تجملات دارد از ارباح مکاسب لباس و تجملات زیاد از برای

خودش و عیالش میکیرد باینهت در سال محتاج باینها نمیشود باید خمس اینها
بدهد یا نه ج اگر زائد بر شأن او هست باید خمسش را بدهد س (۳۷۳)
شخص بعنوان خمس و منال کرفتن بر خود چیزی از مداخل پس انداز خمس آنرا
باید بدهد یا نه ج بلی باید بدهد س (۳۷۴) بچه‌های کوسفند که مادرشان
از منافع باشند و سال بر مادرها کذشته یا بچه‌ها که سال بر اینها نکذشته یا
مادرها خمس بکشند یا بر بچه‌ها مستقلا باید سال بکیرد و خمس بعد بکشند
ج سال هم از ابتدای ظهور ربح است جدا جدا پس هرچه در بین سال پیدا
شود بعد از وضع مؤنه خمس بزائد آن تعلق میکیرد

فصل در احکام حج است

س (۳۷۵) زن نامحرم جمله شرایط وجوب حج تمتع فراهم باشد الا محرمیتی
مرد محرم برایش از جمله شرایط وجوب است یا نه ج وجود محرم شرط
نیست بلکه ظن سلامت کافیست س (۳۷۶) هرگاه زن نامحرم با مرد نامحرم
در امر ضروری خود تکلم نکند بلکه بواسطه زن دیکر که محرم امر باشد رجوع
امور خود کند باز در این صورت حج با نامحرم جایز است یا نه ج بلی جایز
س (۳۷۷) شخصی مستطیع بود فقیر شد و قرض نمود بعد از آن غنی شد و اما
ان وفا بکی نکند حج واجب است برود یا اداء دین نماید ج اداء دین مقدم
است س (۳۷۸) شخصی مالی دارد میخواهد حج برود مال او کفایة مهر
منیفه و مخارج عیال و خرج راه خودش میکند لکن بعد از مراجعت چیزی
ندارد و کذران او بدان میشود آیا واجب است حج برود یا نه ج واجب نیست

ج بلی دارد چون زائد بر مؤنه است س(۳۶۴) طلای ساخته که سالها استعمال
شده است خمس دارد یا نه ج اگر از مداخل خریده و زائد بر لوازم است خمس
دارد س(۳۶۵) گندم و جو بشوهر مهر داده بعد از گذشتن سال شوهر رد
کرده خمس دارد یا نه ج اگر از زراعت بوده خمس دارد س(۳۶۶) سهم
امام را بغیر از مستحقین خودشان اذن مجتهد بدهید یا نه ج مخصوص سادات
است یا اذن مجتهد عادل س(۳۶۷) در بعضی دودخانه‌ها تابستان نمک می‌بندد
و خلق از آنجا نمک بجهت خانه خود می‌آورند ده من زیادتر زیاد می‌آید از سال
خمس دارد یا نه ج از باب معدن خمس از اول باید بدهند اگر بقدر نصاب
بشود و نصاب در معدن بیست اشرفی است س(۳۶۸) گل سرشوی که هر کس از
جهت ذخیره میخرد هرگاه از سال زیاد آید خمس دارد یا نه ج اگر پول
آنرا از ارباح مکاسب داده اند خمس زیادتی را باید بدهد س(۳۶۹) شخصی
مقدار وجهی از جهت حج و زیارت عتبات کنار ده و از او توجه مدتی مانده نه حج
کرد و نه زیارت حال این خمس و زکوة دارد یا نه ج زکوة متعلق میشود و
هرگاه از ارباح مکاسب باشد خمس هم متعلق میشود س(۳۷۰) برنج و قند
و چائی و هیمه و ذغال و سایر متعلقات که ذخیره شده بجهت خانه و از سال زیاد
آید خمس دارد یا نه ج اگر از ارباح تحصیل شده خمس آنها را باید بدهد س(۳۷۱)
با بودن فقراء و سادات و مساکین در بلد جایز است خمس و زکوة به بلد دیگر
یا نه ج بلی جایز است علی کراهة و ضامن است اگر تلف شود س(۳۷۲) شخص
لیاقت از برای تجملات دارد از ارباح مکاسب لباس و تجملات زیاد از برای

خودش و عیالش میگیرد باهت در سال محتاج باینها نمیشود باید خمس اینها
بدهد یا نه ج اگر زائد بر شأن او هست باید خمسش را بدهد س(۳۷۳)
شخص بعنوان خمس و ملک گرفتن بر خود چیزی از مداخل پس انداز خمس آنرا
باید بدهد یا نه ج بلی باید بدهد س(۳۷۴) بچه‌های گوسفند که مادرشان
از منافع باشند و سال بر مادرها گذشته یا بچه‌ها که سال بر آنها گذشته یا
مادرها خمس بگیرند یا بر بچه‌ها مستقلا باید سال بگذرد و خمس بعد بگیرند
ج سال هم از ابتدای ظهور ربح است جدا جدا پس هر چه در بین سال پیدا
شود بعد از وضع مؤنه‌اش خمس بزائد آن تعلق میگیرد

فصل در احکام حج است

س(۳۷۵) زن ناموس همه شرایط وجوب حج تمتع فراهم باشد الا محرم پس
مرد محرم برایش از جمله شرایط وجوب است یا نه ج وجود محرم شرط
نیست بلکه ظن سلامت کافیست س(۳۷۶) هرگاه زن نامحرم با مرد نامحرم
در امر حج خود تکلم نکند بلکه بواسطه زن دیگر که محرم آن مرد باشد رجوع
امور خود کند آیا در این صورت حج با نامحرم جایز است یا نه ج بلی جایز است
س(۳۷۷) شخصی مستطیع بود فقیر شد و قرض نمود بعد از آن غنی شد و ادای
آن وفا بکی نکند حج واجب است برود یا ادای دین نماید ج اداء دین مقدم
است س(۳۷۸) شخصی مالی دارد میخواهد حج برود مال او کفایت مهر
ضعیفه و مخارج عیال و خرج راه خودش میکند لکن بعد از مراجعت چیزی
ندارد و گذرانش بذلت میشود آیا واجب است حج برود یا نه ج واجب نیست

س(۳۷۹) زیدی واجب الحج شده عیال و خانه مسکنی بلباس خودش ندارد
کدام یک را باید مقدم داشت ج خانه مقدم است نه عیال مگر در صورت
اضطرار و حرج س(۳۸۰) استیذان والدین در حج استحبابی شرط است یا نه
ج اذن شرط نیست ظاهراً بلی دور نیست که منع مانع باشد س(۳۸۱) متبرعی
بفقیر مستطیعی بگوید بذل میکنم برای تو زاد و راحله را ایاباً و ذهاباً مبذول له حج
واجب میشود یا نه با آنکه مخارج سال خود و عیال واجب النفقه خود را ندارد
اگر هم نرود نمیتواند بر عیال خود انفاق نماید زیرا کسبی ندارد ج بلی
مستطیع است با وثوق بوفای باذل س(۳۸۲) کسانیکه مستطیع مکه هستند هرگز
کربلا آثم هستند یا اجر دارند ج آثم هستند در تأخیر حج اگر حج فوت شود
س(۳۸۳) حاج که در منی قربانی میکند یک حصه که باید خود بخورد اگر
با عمداً نخورد تکلیف چیست ج چیزی بر او مترتب نیست س(۳۸۴) کسیکه
چند قطعه ملک موروثی داشته باشد اگر یکی را بفروشد مستطیع خواهد
شد تکلیف چیست ج (در جهاد است) تکلیفش رفتن بحج است
س(۳۸۵) جهاد از مقوله دفع دشمن با نبودن امام واجب است یا خیر ج
دفاع از بیضه اسلام همیشه لازم است

فصل در شکیات است

س(۳۸۶) هرگاه شک کند مصلی در عدد رکعات در اثناء نماز چه کند
ج تأمل کند تا شاید بخاطرش بیاید که رکعت چندم است اگر ظن او
بطرفی حاصل شد عمل بآن نماید والا پس باحکام آن عمل کند س(۳۸۷)

هرگاه مصلی شک کند بین یک و دو یعنی نداند که یک رکعت کرده است یا
دو رکعت کرده است بعد از تروّی ظنش بجانبی نرود چکند ج نماز
باطل است و از سر گیرد س(۳۸۸) هرگاه شک کند بین یک و دو یا بیشتر چکند
ج نمازش باطل است از سر گیرد س(۳۸۹) هرگاه شک کند بین یک
و دو و سه پیش از اکمال سجدتین چه کند ج نماز را از سر گیرد س(۳۹۰)
هرگاه شک کند بین دو و سه بعد از اکمال سجدتین چکند ج بنا را بر
سه گذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته
بجا آورد س(۳۹۱) اکمال سجدتین حاصل میشود با تمام ذکر سجده دومی
یا نه ج بلی حاصل میشود س(۳۹۲) هرگاه شک کند بین سه و چهار
بعد از اکمال سجدتین چکند ج بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند
و بعد از نماز یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد س(۳۹۳)
هرگاه شک کند بین سه و چهار پیش از اکمال سجدتین یعنی نداند که رکعتی
که در آن است رکعت سیم است یا چهارم است چکند ج بنا را بر چهار
گذارد و نماز را تمام کند و بعد از فراغ یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته
بجا آورد س(۳۹۴) اگر شک کند بین سه و چهار در حال قیام پس یقین
کند که یک سجده از همین رکعت را فراموش کرده است چکند ج نماز را
از سر گیرد س(۳۹۵) اگر شک کند بین دو و چهار بعد از اکمال سجدتین
چه کند ج بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و دو رکعت ایستاده
بجا آورد س(۳۹۶) اگر شک کند بین دو و سه و چهار بعد از اکمال سجدتین

چکند ج بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت
ایستاده و دو رکعت نشسته بجا آورد س (۳۹۷) اگر شک کند بین دو
و چهار پیش از اکمال سجدتین چکند ج نماز را از سر گیرد س (۳۹۸)
اگر شک کند بین دو و سه و چهار پیش از اکمال سجدتین چه کند ج نماز را
از سر گیرد س (۳۹۹) اگر شک کند بین چهار و پنج بعد از اکمال سجدتین
چکند ج بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و دو سجدهٔ سهو بجا آورد
س (۴۰۰) اگر شک کند بین چهار و پنج در حال قیام چه کند ج بنشیند و
بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد از سلام یک رکعت ایستاده یا
دو رکعت نشسته بجا آورد س (۴۰۱) اگر شک کند بین سه و پنج در حال قیام
چه کند ج بنشیند و بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند و بعد از
سلام دو رکعت ایستاده بجا آورد س (۴۰۲) اگر شک کند بین سه و چهار
و پنج در حال قیام چه کند ج بنشیند و بنا را بر چهار گذارد و سلام دهد
و دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته بجا آورد س (۴۰۳) اگر شک کند
بین پنج و شش در حال قیام چه کند ج بنشیند و بنا را بر چهار گذارد
و نماز را تمام کند و دو سجدهٔ سهو بجا آورد س (۴۰۴) هرگاه شک کند
بین چهار و پنج بعد از رکوع و پیش از اکمال سجدتین چه کند ج نماز را
از سر گیرد س (۴۰۵) هرگاه شک کند بین سه و پنج در حال رکوع چکند
ج نماز را از سر گیرد س (۴۰۶) هرگاه شک کند بین سه و پنج
بعد از رکوع و پیش از اکمال سجدتین چه کند ج نماز را از سر گیرد

سؤال (۴۰۷) هرگاه شک کند بین دو و سه و پنج چه کند ج نماز
باطل است چه در حال قیام باشد یا در حال رکوع باشد یا بعد از آن و چه
پیش از اکمال سجدتین باشد یا بعد از آن س (۴۰۸) هرگاه شک کند
بین دو و پنج در حال قیام چکند ج نمازش باطل است سؤال (۴۰۹)
هرگاه شک کند بین دو و چهار و پنج بعد از اکمال سجدتین چه کند ج
نمازش باطل است و احوط اینستکه بنا را بر چهار گذارد و نماز را تمام کند
و بعد از سلام دو رکعت ایستاده بجا آورد و دو سجدهٔ سهو نیز بجا آورد و نماز را
هم اعاده کند س (۴۱۰) هرگاه شک کند بین دو و سه و چهار و پنج بعد
از اکمال سجدتین چه کند ج نمازش باطل است و از سر گیرد س (۴۱۱)
هرگاه شک کند بین سه و چهار و پنج در حال رکوع چه کند ج نماز را
از سر گیرد س (۴۱۲) هرگاه شک کند بین پنج و شش در حال رکوع چکند
ج نماز را از سر گیرد س (۴۱۳) اگر شک کند بین پنج و شش بعد از
اکمال سجدتین چه کند ج نماز را از سر گیرد س (۴۱۴) هرگاه شک
کند بین چهار و شش پیش از اکمال سجدتین چه کند ج نماز را از سر گیرد
س (۴۱۵) هرگاه شک کند بین چهار و شش بعد از اکمال سجدتین چکند
ج نماز را از سر گیرد س (۴۱۶) هرگاه شک کند بین چهار و شش در حال
قیام چه کند ج نماز را از سر گیرد س (۴۱۷) در هر شکی که پای یک در
میان باشد مطلقا نماز باطل است یا خیر ج بلی چه پیش از اکمال سجدتین
باشد یا بعد باشد باطل است س (۴۱۸) هر شکی که پای دو در میان باشد

چه صورت دارد ج اگر پیش از اکمال سجدتین باشد نماز باطلست س(۴۱۹)
هرگاه نداند که چند رکعت کرده است چه کند ج نماز باطل است س(۴۲۰)
هرگاه شک کند در عدد رکعات نماز دو رکعتی چه صورت دارد ج نمازش
باطل است چه پیش از اکمال سجدتین باشد یا بعد باشد س(۴۲۱) آیا شک
در نمازهای قصر چه صورت دارد ج مطلقا باطل میشود نماز بان س(۴۲۲)
شک در نماز سه رکعتی چه حکم دارد ج موجب بطلان نماز است هرچند بین
دو و سه بوده باشد و بعد از اکمال سجدتین نیز باشد س(۴۲۳) هرگاه شخص
شک کند در عدد رکعات نمازهات چه باید کرد ج نماز را از سر گیرد
س(۴۲۴) هرگاه شک کند در حال نماز که نیت کرده است یا نه تکلیف چیست
ج اگر مشغول بقرائت شده اعتنا نکند س(۴۲۵) اگر در وقت مختص
شک کند که نیت نماز ظهر کرده است یا نیت نماز عصر کرده است تکلیفش
چیست ج نماز را از سر گیرد س(۴۲۶) اگر در وقت مشترک شک کند
که نیت ظهر کرده است یا نیت عصر کرده است تکلیف چیست ج بنا را بر
ظهر گذارد و نماز را تمام کند و بعد از فراغ یک نماز چهار رکعتی بنیت
ما فی الذمه بجا آورد. و اگر نماز دوم را به نیت ظهر بجا آورد و یکی دیگر بجهة
در هر دو نیت احتیاط کند کما الاحتیاط خواهد بود س(۴۲۷) هرگاه
شک کند که نیت فریضه کرده است یا نیت نافله چه کند ج نماز را از سر
گیرد س(۴۲۸) اگر در حال برخواستن شک کند که سجده کرده است یا
نه چکند ج برگردد و سجده را بجا آورد س(۴۲۹) اگر در حال برخواستن

شک کند که تشهد را بجا آورده است یا نه چکند ج اعتنا نکند
س(۴۳۰) اگر در حال خم شدن بجهت سجود پیش از گذشتن از حد رکوع
شک کند که رکوع را بجا آورده یا نه چه کند ج برگردد و رکوع را
بجا آورد س(۴۳۱) اگر بعد از گذشتن از حد رکوع شک کند در اینکه
رکوع را بجا آورده است یا نه چه کند ج اعتنا نکند سؤال(۴۳۲)
هرگاه شک کند در صحت فعلی بعد از آنکه داخل در فعل دیگر شده باشد
چه کند ج اعتنا نکند س(۴۳۳) اگر شک کند در ذکر رکوع یا
سجود بعد از سر برداشتن چه باید کرد ج اعتنا نکند سؤال(۴۳۴)
هرگاه شک کند در طمأنینه رکوع یا سجود بعد از سر برداشتن چه کند
ج اعتنا نکند س(۴۳۵) هرگاه شک کند بین سه و پنج بعد از سلام
چکند ج نماز را اعاده کند سؤال(۴۳۶) هرگاه شک کند بین
دو و سه بعد از سلام چکند ج اگر منافی عمداً بعمل آمده باشد نماز را
اعاده کند والا بنا را بر سه گذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز
یک رکعت ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد و دو سجده سهو بجهت
تشهد بیجا و دو سجده سهو بجهت سلام بیجا بجا آورد سؤال(۴۳۷)
هرگاه بعد از سلام شک کند بین سه و چهار چه کند ج اعتنا نکند
س(۴۳۸) هرگاه بعد از سلام شک کند در عدد رکعات که طرف بیش
صحیحی داشته باشد تکلیف چیست ج اعتنا نکند مثل اینکه شک
کند بین دو و چهار و شش یا چهار و شش مثلا س(۴۳۹) هرگاه شک کند

بعد از سلام بین دو و سه شک کند ج نماز را اعاده کند س (۲۴۰)
هرگاه بعد از سلام شک کند در اینکه نماز که کرده است نماز ظهر بوده
یا عصر چه کند ج اگر در وقت عصر باشد به نیت نماز عصر را بجا آورد و اگر
وقت آن گذشته است اعتنا نکند س (۲۴۱) هرگاه بعد از خروج
وقت شک کند که نماز کرده است یا نه تکلیفش چیست ج اعتنا
نکند س (۲۴۲) هرگاه بعد از سلام مظنه کرد که سه رکعت کرده است
تکلیفش چیست ج بنا را بر طرف صحیح کذارد پس در نماز دو رکعتی اعتنا
نکند و در نماز چهار رکعتی اگر منافی بعمل آمده اعتنا نکند و الا بنا را
بر سه کذارد و یک رکعت دیگر بجا آورد و بعد از سلام دو سجده سهو برای
سلام بیجا بعمل آورد و اگر تشهد نیز خوانده است دو سجده هم برای آن
بعمل آورد س (۲۴۳) ظن بعد از فراغ حکمش چیست ج در حکم شک
است س (۲۴۴) اگر بعد از نماز مظنه شود که یک رکن از نمازش فوت
شده است تکلیفش چیست ج اعتنا نکند س (۲۴۵) هرگاه
بعد از گذشتن محل رکوع یا سجود مظنه شود که رکوع یا سجود را بجا
نیاورده تکلیف چیست ج اعتنا نکند س (۲۴۶) هرگاه بعد از نماز
شک کند وضو داشته است یا نه نمازش چه صورت دارد ج نمازش صحیح است
و بجهت نماز بعد وضو بگیرد اگر حالت سابقه معلوم نباشد یا معلوم باشد
که محدث بوده و اگر حالت سابقه اش طهارت بوده یا یقین بحدث نداشته
با همان حالت نماز میتواند بکند س (۲۴۷) هرگاه بعد از نماز شک کند

که آیا شرعیه بوده یا نه تکلیفش چیست ج اعتنا نکند س (۲۴۸)
هرگاه شک کند بعد از نماز که نمازش بر قبله بوده یا نه چه صورت دارد
ج اعتنا نکند س (۲۴۹) اگر بطرفی نماز کرد و بعد از سلام شک کرد
که آیا آن طرف قبله بوده یا نه چه کند ج اگر اماره معتبره داخل در
نماز شده مثل علم یا مثل قبله اهل اسلام یا مقابر مسلمین یا محراب مساجد
یا جدی یا شمس اعتنا نکند س (۲۵۰) اگر پیش از نماز احتیاط منافی
عمدی سهوا بعمل آید یعنی چیزیکه مبطل نماز باشد عمدا نه سهوا مثل تکلم
شیطان چه صورت دارد ج ضرر ندارد و همان نماز احتیاط را بجا آورد
س (۲۵۱) اگر منافی سهوی بعمل آید بین نماز و قضای اجزاء فراموش
شده چه صورت دارد ج ضرر ندارد و همان اجزاء را بجا آورد و اعاده
نماز بعد از آن احوط است س (۲۵۲) اگر فراموش کند نماز احتیاط
تا آنکه داخل در نماز دیگر شود پس در اثناء نماز بخواطرش بیاید چه کند
ج برگردد و نماز احتیاط را بجا آورد و احتیاطا نماز را اعاده کند
س (۲۵۳) اگر فراموش کند نماز احتیاط را و داخل در نماز بعد شود و
بعد از فراغ بخواطرش بیاید چه کند ج نماز احتیاط را بعمل آورد
و احتیاطا نماز اول و دوم را اعاده کند س (۲۵۴) کثیر الشک حکمش
چیست ج اعتنا بشک نکند بلکه بنا را بر وجه صحیح بگذارد س (۲۵۵)
مرجع کثیر الشک چیست ج مرجع بر عرف است ظاهرا از اینکه معلوم شود
یا اینکه در وقت نماز سه مرتبه شک کند یا در سه نماز پی در پی شک کند و در ...

زالجمع عرفت س(۲۵۶) سجدهٔ سهو در چند موضع واجبست ج در پنج موضع واجبست اول هرگاه یک سجدهٔ نماز را فراموش کند و بعد از دخول در رکوع بعد یا بعد از فراغ از نماز بخاطرش بیاید پس سجده را قضا کند و دو سجدهٔ سهو واجبست بجا بیاورد دوم چون تشهد اول را فراموش کند تا داخل در رکوع بعد شود یا تشهد دوم را فراموش کند و بخاطرش بیاورد تا بعد از سلام و منافی پس تشهد را قضا کند و دو سجدهٔ سهو بجا آورد سیم بجهت کلام بیجا چهارم بجهت سلام بیجا پنجم بجهت شک بین چهار و پنج بعد از اکمال سجدتین س(۲۵۷) محل سجدهٔ سهو را بیان فرمایید ج بعد از سلام است س(۲۵۸) در سجدهٔ سهو رو بقبله و طهارت شرط است یا نه ج بلی مثل سایر شرایط نماز در سجدهٔ سهو شرطست س(۲۵۹) اگر سجدهٔ سهو را عمداً یا سهواً ترک نماید نمازش باطل است یا نه ج نمازش باطل نمیشود و هر وقت که بخاطرش آمد بجا آورد س(۲۶۰) کیفیت نماز احتیاط را بیان فرمایید ج کیفیت نماز احتیاط آنستکه تکبیر بگوید بعد از نیت و حمد تنها بخواند و باقی افعالش مثل دو رکعت اول نماز است مگر آنکه سوره و قنوت ندارد بلکه بحمد تنها اکتفاء میشود س(۲۶۱) تمام شرایط نماز در نماز احتیاط شرط است یا نه ج تمام شرایط معتبر است از طهارت و ستر و قبله و غیر آن س(۲۶۲) اگر پیش از شروع در نماز احتیاط متذکر شود نقص نماز را چکند ج آنرا تمام کند س(۲۶۳) هرگاه در اثناء احتیاط متذکر شود نقص نماز را چه کند ج احوط آنستکه نماز احتیاط را

مطابق نقص تمام کند یعنی اگر نقص یک رکعت بوده یک رکعت بجا آورده و اگر دو رکعت است دو رکعت بجا آورد و بعد نماز را هم اعاده کند س(۲۶۴) هرگاه بعد از فراغ از نماز احتیاط متذکر شود نقص نماز را چکند ج اگر احتیاط مطابق بوده است با نقص نماز یعنی اگر نقص یک رکعت بوده و او نیز یک رکعت کرده است و اگر دو رکعت ناقص بوده او نیز دو رکعت کرده پس کفایت میکند و اگر مخالف بوده پس نماز را اعاده کند س(۲۶۵) هرگاه شکش مقتضی دو رکعت احتیاط بوده و در اثناء احتیاط متذکر شد که نمازش یک رکعت ناقص بوده است چه کند ج اگر داخل در رکوع دوم نشده است همانرا تمام کند و نماز را نیز اعاده کند و اگر داخل در رکوع دوم شده است آنرا رها کرده و نماز را اعاده کند س(۲۶۶) هرگاه شکش مقتضی یک رکعت احتیاط بوده و در اثناء ملتفت شد که نمازش دو رکعت ناقص بوده است تکلیفش چیست ج رکعت دیگر را نیز بجا آورده و نماز را اعاده کند علی الاحوط س(۲۶۷) هرگاه شکش مقتضی یک رکعت احتیاط بوده و او دو رکعت نشسته بجا آورده و بعد از فراغ متذکر شد که یک رکعت از نمازش ناقص بوده است کفایت میکند یا نه ج بلی کفایت میکند س(۲۶۸) هرگاه شخص شکش مقتضی یک رکعت احتیاط بوده و او اختیار نموده دو رکعت نشسته را و در اثناء نماز احتیاط متذکر شد نقص نمازش را چکند ج احوط آنستکه آنرا تمام کند و نماز را اعاده کند س(۲۶۹) هرگاه شخص شکش مقتضی دو رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته بود و در اثناء نماز ایستاده متذکر شد نقص دو رکعت را تکلیف چیست ج همانرا تمام کند

ودو رکعت نشسته و بکر الا تمم جهت نماز را احتیاطاً اعاده کند س (۴۷۰)
اکر شخص فراموش نمود قضاء اجزاء منسیه را تا داخل در نماز دیکر شد تکلیفش چیست
ج هر آن نماز را تمام کند و اجزاء منسیه را قضاء کند و نماز دوم را اعاده کند علی
الاحوط س (۴۷۱) هرکاه وقت یک رکعت از نماز عصر را هم درک نمیکند چکند
ج اول نماز عصر را بجا آورد و ظهر را قضا کند و اکر بقدر یک رکعت از عصر
ادراک میکند پس اول نماز احتیاط را بجا آورد و بعد عصر را بجا آورد و هم چنین
در نماز مغرب و عشاء س (۴۷۲) در نماز احتیاط قرائت را بچه نحو بخواند بالحمد
ج باید آهسته بخواند س (۴۷۳) اکر وقت عصر تنک باشد و اراده قضای اجزاء
منسیه نماز ظهر و یک رکعت از او را درک نکند تکلیف چیست ج نماز عصر را
بجا آورد و نماز ظهر را بعد اعاده نماید احتیاطاً س (۴۷۴) اکر شک کند
مسئله در اینکه شک کرده است یا نه چکند ج اعتنا نکند س (۴۷۵) اکر
شک کند در نماز احتیاط یا در سجده سهویکه از برای شک میکند تکلیف چیست
ج اعتنا نکند یعنی بنا را بر وقوع مشکوک کذارد مکر آنکه مستلزم فساد باشد
پس بنا را بر عدم کذارد س (۴۷۶) اکر شک کند در اجزاء منسیه یا در سجده
سهو نسیان میکند تکلیف چیست ج اکر محل مشکوک باقیست بجا آورد و
الا بکذرد س (۴۷۷) اکر فراموش کند بعضی از اجزاء نماز را و متذکر شود نیز
کند اولا را اولاً حکمش چیست ج مثل آنکه از اول فراموش کرده است یعنی
اکر متذکر شود پیش از خروج از محل تدارک کند و اکر بعد متذکر شود قضا
کند مکر آنکه رکن باشد پس نماز باطل میشود بغیر آن س (۴۷۸) اکر سهو کند

مثل آنکه سهو کرد اکر
رکعت احتیاط نماز
را خوانده باشد
بجا آورد صح

در نماز احتیاط بزیادتی یا نقصان در رکعات یا در افعال پس حکمش چیست ج
حکم آنها مثل حکم اصل نماز است حتی در سجود سهو و قضای اجزاء علی الاحوط
س (۴۷۹) اکر سهو کند در سجده سهو یا اجزاء منسیه را بیاد کرد چه خواندن
یا تمام کردن از آن حکمش چیست ج اکر در محل متذکر شود تدارک نماید و اکر از
محل کذشته باشد پس اکر موجب سجود سهو باشد مثل اینکه در تشهد یا در
سجده سهو فراموش کرده باشد اعاده نماید والا باکی ندارد و احوط اعاده است
مطلقا س (۴۸۰) آیا سجده سهو از برای هر زیادتی و کمی که سهواً واقع شود لازم
است ج احوط است س (۴۸۱) آنچه از برای سجده سهو معتبر است چیست
ج در سجده سهو معتبر است آنچه در سجده نماز معتبر است از کذاشتن پیشانی بر
چیزیکه سجده بر او صحیح است و اعتماد بر اعضاء سبعه و مساوی بودن محل پیشانی با محل
ایستادن مکر بقدر یک خشت که ضرر ندارد س (۴۸۲) اکر شخص فراموش کند
سجده سهو را و بعد از نقض طهارت متذکر شود تکلیفش چیست ج فوراً بجا
آورد آنرا و بعد تحصیل طهارت کند و اعاده کند آنرا علی الاحوط س (۴۸۳)
ذکر و تشهد در سجده سهو را بنا بر فتوی چه جایز است در تشهد سجده سهو
خفیف بخواند یعنی بکوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله
صل علی محمد و آل محمد س (۴۸۴) اکر در نماز نافله بنا در فراموشی سجده سهو
چه کند ج صبر کند تا بعد از فراغ از آن بجا آورد س (۴۸۵) اکر در اثنا
نافله متذکر شود فراموشی سجده سهو را چکند ج همانجا بجا آورد و بعد
نافله را تمام کند س (۴۸۶) هرکاه شک کند در عدد رکعات نماز نافله

تکلیفش چیست ج مخیر است که بنا را بر کمتر بگذارد یا بر بیشتر مگر اینکه مستلزم
بطلان شود پس بنا را بر صحیح بگذارد س (۴۸۷) هرگاه در افعال نماز نافله شک
کند تکلیف چیست ج اگر محل باقیست تدارک کند والا اعتنا نکند س (۴۸۸)
آیا هر چیزیکه در نماز یومیه موجب سجده سهو باشد در نمازهای دیگر هم چنین است
یا نه ج در هر نماز واجبی هر چیز موجب سجود سهو است هم چنین است قضاء
اجزاء فراموش شده آنها و عمل بشک و ظن س (۴۸۹) آیا در نوافل سجده سهو لازم
است یا نه ج در نوافل سجده سهو نیست اگرچه بالعرض واجب شده باشد
س (۴۹۰) اگر شک کرد بعد از فراغ در اینکه آنچه فراموش شده رکوع است یا
سجده چه باید کرد ج بنا را بر صحت بگذارد و در احتیاطا سجده را قضاء کند
و سجده سهو نیز بجا بیاورد و احوط اعاده نماز است ایضا س (۴۹۱)
اگر شخص شک کند در اینکه سجده فراموش شده از رکعت سابقه است یا از همین
رکعت تکلیفش چیست ج اگر برکوع بعد داخل نشده سجده را بجا آورد
و بعد از سلام نیز سجده را احتیاطا قضاء کند و اگر برکوع بعد داخل شده نماز را
تمام کند و سجده را قضا کند و دو سجده سهو بجا آورد در هر دو صورت

فصل در نماز آیات

س (۴۹۲) کیفیت نماز آیات و سبب آنرا بیان فرمائید جواب
بدانکه سبب آیات عبارت از گرفتن آفتاب و ماه است چه تمام قرص آنها گرفته
شود و چه بعض آنها و زلزله و زمین چه از آن خوف حاصل بشود یا نه و سبب
بادهای سخت سرخ و زرد و یا نحو غیر معتاد و تاریکی شدید و صاعقه و علامتهای

مخوفه که در آسمان ظاهر میشود یا در زمین چون فرو رفتن آن و مدار در غیر
بر اغلب ناس است و ترسیدن نادری از ایشان مناط حکم نیست س (۴۹۳)
نماز کسوف و خسوف تا چه وقت اداء میباشد ج وقت اداء کسوف و
خسوف از اول گرفتن قرص تا تمام انجلاء است بنا بر اصح و هم چنین نماز هر
آیتی که وقت آن وسعت نماز را داشته باشد پس وقت اداء آن تمام مدت آنست
از آن وقت و احوط در کسوف و خسوف آنستکه پیش از شروع در انجلاء نیت اداء
نماید و بعد از شروع در انجلاء و قبل از تمام انجلاء نیت قربت مطلقه بکند اگر
مقدار یک رکعت از وقت باقی باشد باید نماز را اداء است چنانکه در یومیه گذشت
اما اگر آیه بنوعی باشد که وقت آن وسعت نماز را نداشته باشد مثل زلزله که
اغلب اوقات بر این نحو است و مثل صیحه و رعد و برق شدید پس واجبست که مقارن
آن شروع در نماز کند و اگر عصیانا نموده و مقارن آن بجا نیاورد باید در غیر
وقت بجا آورد و تا آخر عمر اداء است س (۴۹۴) نماز آیات چند رکعت
تفصیلا بیان فرمائید ج دو رکعت و در هر رکعتی پنج رکوع و دو سجود است
تفصیل آن آنستکه تکبیرة الاحرام بگوید بعد حمد و سوره بخواند و بعد برود برکوع
ذکر رکوع را بگوید باز راست شود و حمد و سوره بخواند باز برکوع رود و ذکر رکوع را
بگوید بعد راست شود و حمد و سوره بخواند و رکوع کند و راست شود و حمد و سوره
بخواند و برود رکوع و ذکر رکوع را بخواند راست شود و حمد سوره بخواند و رکوع
کند و راست شود و برود بسجود و هر دو سجده را بجا آورد و راست شود شروع کند
دوم کند هم چنانکه در رکعت اول مذکور شد رکعت دوم را بجا آورد و بعد تشهد بخواند

وسلام بدهد مثل سایر نمازهای یومیه س (۴۹۵) نماز آیات چند قنوت دارد
ج پنج قنوت دارد و قنوتهای آن در رکعت اول یکی پیش از رکوع دوم و یکی
پیش از رکوع چهارم را بخواند و در رکعت دوم سه قنوت یکی پیش از رکوع اول
و یکی پیش از رکوع سیم و یکی پیش از رکوع پنجم و این قنوتها مستحب است و
واجب نیست و همچنین مستحب است پیش از هر رکوع و بعد از آن تکبیر گفتن
همچنین مستحب است سمع الله لمن حمده گفتن بعد از رکوع پنجم در رکعت اول و
بعد از رکوع پنجم در رکعت دوم س (۴۹۶) آیا فرقی هست در شکیات و
سهویات میان نماز آیات و یومیه یا نه ج فرقی نیست و هرچه در آنجا معتبر
در اینجا هم معتبر است مگر در رکوعات مثل اینکه شک میکند که آیا چهار
رکوع کرده ام یا پنج یا بیشتر بنا را بر اقل میگذارد و نماز او صحیح است

در مبطلات نماز است

س (۴۹۷) مبطلات نماز چند چیز است ج مبطلات نماز دوازده چیز است
اول حدث مطلقا و آن هر وقتی واقع شود نماز را باطل میکند اگرچه در میم
از آخر سلام باشد چه عمدا چه سهوا چه بغیر اختیار مگر در مسئله مبطون و مسلوس و
مستحاضه س (۴۹۸) آیا حدثیکه نماز را باطل میکند وضوء و غسل و
تیمم را نیز باطل میکند یا نه ج بلی باطل میکند س (۴۹۹) حدث
اصغر بکه صادر شد بعد از غسل و غسل را باطل کرد دوباره باعث غسل کردن
میشود یا نه ج غسل نمیخواهد ولکن وضو باید بگیرد بجهت نماز دوم
تعمد تکفیر است یعنی گذاشتن یکی از دو دستها بر دیگری بنحویکه عامه میکنند

خواه در زیر ناف یا در بالای آن در حال اختیار نه در حال تقیه سیم
التفات کردن تمام بدن است بطرف پشت سر یا بجانب یمین یا یسار بنحوی اگر
بنحوی باشد که بیرون برود بسبب آن از استقبال پس جمیع اقسام مذکوره
مبطل نماز است اگر عمدا بعمل آورد آنها را بلکه اقوی بطلان نماز است بالتفات
کردن بروی تنها بطرف پشت سر چهارم تکلم کردن است عمدا هرچند بدو
حرف مهمل باشد و اما سهوا پس مبطل نیست هرچند بگمان بیرون
رفتن از نماز باشد یعنی چنین خیال کند که از نماز بیرون رفته است
پنجم قهقهه کردن است اگرچه از روی اختیار نباشد و آن خنده ایست که
مشتمل بر آواز و مد و ترجیع باشد و احتیاط در اجرای احکام بطلان بر
مطلق آواز است و تبسم که از اقسام خنده کوچک مبطل نیست اگرچه عمدا
باشد ششم گریستن با آواز است بجهت امر دنیوی خواه از جهت فوت آن
باشد یا از جهت طلب آن لکن هرگاه سهوا باشد موجب فساد نمیگردد
هفتم فعل کثیر یا قلیل است که صورت نماز را بر هم زند هشتم خوردن
است علی الاحوط و آشامیدن است اگرچه قلیل باشد نهم گفتن آمین
بعد از سوره فاتحة الکتاب عمدا یا اختیارا پس در حال سهو و اضطرار ضرر ندارد
دهم شک در عدد رکعات نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول از نماز
چهار رکعتی است یازدهم زیاد کردن رکنی یا کم کردن در نماز است عمدا دوازدهم
قرائت سوره تمام است بعد از حمد در رکعت واحده از نمازهای واجب س (۵۰۰)
آیا جایز است قطع کردن نماز بجهت کشتن مار و عقرب و سایر موذیات یا نه ج

ضرری ندارد س(۵۰۱) جایز است قطع نمودن نماز بجهت خوف از دزد یا رسیدن دشمن یا نه ج بلی ضرری ندارد

فصل در امر بمعروف

س(۵۰۲) شخصی میشنود نبلن یابی با غنا و امثال اینها منع نمیتواند کرد یا نمیدانند که پس از او قبول میکنند یا نه در اینصورت استماعش چه صورت دارد ج منع از منکر با امکان لازم است و استماع غنا جایز نیست س(۵۰۳) شخص کرفتن حقش ممکن نیست الا بشکایت نزد حاکم جور چه کند ج نزد حاکم شرع ثابت کند در تحصیلش هر کس استعانت کند ضرری ندارد س(۵۰۴) ریش را تراشیدن و زیاد مقراض نمودن چه صورت دارد ج تراشیدن حرام و مقراض کردن که شبیه تراشیدن شود مشکل است و احوط ترک است س(۵۰۵) پشت گوشی گذاشتن جایز است یا نه ج مکروه است بعض در تراشیدن سر س(۵۰۶) مرافعه نمودن در نزد غیر مجتهد جایز است یا نه ج جایز نیست س(۵۰۷) در عزاداری حضرت امام حسین ع شخصی ضربتی بی اختیار بر خود بزند چه صورت دارد ج در امر غیر اختیاری مواخذه نیست س(۵۰۸) یهودی که غنا کر میزنند در مشق با بجهت اطلاع چه حکم دارد ج شبهه است و اجتناب اولی است س(۵۰۹) موضوع و محمول غنا را بیان فرمایید ج غنا خواندنی است که حکمش حرمت است س(۵۱۰) در امورات حسبیه مجتهد بزید اذن داده و فوت شده زید محتاج باذن جدید هست یا نه ج اذن جدید بگیرد س(۵۱۱) رد مظالم و مجهول المالک را شخص بی اذن مجتهد میتواند داد یا نه ج احوط اذن مجتهد است س(۵۱۲) کسانیکه میروند بجهاد و مدافعه با کفار و قصدشان دفع است از بلاد اسلام

نماز و روزه ایشان قصر است یا تمام ج هرگاه شرایط جمع باشد قصر است

فصل در احکام تجارت

در احکام بیع است س(۵۱۳) قران جدید با کهنه فرق دارد در عقد بیع یا نه ج اگر فرق دارد در قیمت باید تعیین شود س(۵۱۴) نان یا بعضی میوه جات را عددی میفروشند بدون مصالحه چه صورت دارد ج اگر متعارف است ظاهرا ضرری ندارد س(۵۱۵) زید نقره را میبرد در خانه خود بدون کرایه بجهت اینکه یا بهای چیز بفروشد و زر را بجهت فرق قیمت جزئی میبرد بجای دیگر چه میخرد یا در آن منزل نماز ایشان صحیح است یا نه ج صحیح است س(۵۱۶) در بعضی بلاد سلطان کافر از رعایا مثل زمین داران اجناس از قبیل غله خراج میگیرد یا سلطان کافر احق است مثل سلطان مخالف یا نه بر فرض ثانی عین این غله خرید و فروشش جایز است یا نه و اگر کسی چاره او منحصر بر فرض سکونت این بلد باین اجناس شود اگر اجتناب از این اجناس نماید عسر و حرج در تعیشش باشد چه کند ج اجرای حکم خراجی که سلطان مخالف میگیرد بعید نیست هر چند احوط ملاحظه حکم مجهول المالک است اگر صاحبان عین بتخصیص معلوم نباشد س(۵۱۷) در صیغه صلح و بیع و غیرها ترتیب ایجاب و قبول را شرط میدانید یا خیر ج تقدیم قبول بلفظ قبلت و رضیت صحیح نیست و بمثل اشتریت ظاهرا صحیح است س(۵۱۸) زید منتقل نمود خانه را بعمرو بمبلغ صد و دو بیست از قرار روپیه سه قران و ثلث که سه روپیه یک تومان باشد بمدت یکسال آیا این بیع صحیح است یا نه بر فرض صحت در صورت عدم روپیه ترقی یا تنزل کند

بایع مشتری کدام است ج اگر مدت از برای بیع قرار داده‌اند چنانچه ظاهر
عبارتست پس معامله باطل است و هر پولی که داده است عین آن را مستحق
است و اگر مدت از برای خیار است پس هر پولی را که ثمن قرار داده‌اند اگر
در ظرف مدت رد نماید اختیار فسخ خواهد داشت س (۵۱۹) چند نفر
آمده‌اند از جهت اجاره باغ که ثمره آن بظهور نرسیده بعد بظهور میرسد
و اجاره هم بجهت غیر تسلیم حال بغیر ما شاید بنگویند باغ را که من بعد ثمره‌اش
بظهور میرسد صیغه‌اش را بطریق صلح یا اجاره یا مصالحه چه نحو اجرا کنند
ج هر گاه پیش از ظهور ثمره پول لازم دارند بعنوان قرض بگیرند و در ضمن
عقد لازم وکیل کند پول دهنده را که بعد از ظهور ثمره و بدو صلاح بنحو
منتقل نماید بمعادل آن وجه س (۵۲۰) زید بعنوان معاوضه آرد گندم میدهد
و از نانوا نان میگیرد آیا ربا است یا نه ج اشکال دارد مگر اینکه آرد را
بفروشد بها و بعوض قیمت آن نان بگیرد س (۵۲۱) زید سه راس گوسفند خرید
و چندی انتفاع از آنها برد حال میخواهد پس بدهد آیا بایع را میرسد که وجه نما
اینمدت را مطالبه کند ج اگر خیار باشد پس میدهد عین را فقط س (۵۲۲)
زید صد من گندم از عمرو خرید و آورد که در حال تلفی در آن ظاهر شد عمرو را
میرسد که پس بگیرد ج چون تصرف کرده است مختار است نه رد س (۵۲۳)
کسی یکمن روغن خرید از شخصی بمبلغ سه قران به بیع سلف و علم که رسید قیمت
روغن ده قران است و بایع میگوید روغن ندارم قیمت طالبه را که ده قران
بوده باشد میدهد هم مشتری میتواند ده قران بگیرد یا نه ج اولی این است

که بعوض روغن چیزی با او بدهد مثل عبا و شبیه آن و بعد از آن هر دو از او بدهد قران

فصل در احکام اجاره است

س (۵۲۴) شخصی اجیر شده در عمل نماز یا روزه یا غیر آن و نکرده و اجیر
کننده مرده یا معلوم نیست چه حکم است و اگر وارث اجیر کننده موجود
باشد چه حکم دارد ج اگر محل عمل باقی است بجا آورد و اگر باقی
نیست پولش را بصاحبش رد کند و اگر مجهول است حکم مجهول المالک دارد
س (۵۲۵) اجرت گرفتن عاقد نکاح و مطلق و هر کس عقدی یا ایقاعی
از برای غیر بعمل آورد چه صورت دارد ج اجرت بر تعلیم نگیرند اما
بر عمل ضرر ندارد انشاء الله س (۵۲۶) کسیکه نماز و روزه واجب نه
دارد آیا میتواند نماز و روزه استیجاری بکند ج کسی که روزه واجب
بر ذمه دارد اجیر روزه نمیتواند شد س (۵۲۷) کسیکه بر ذمه خودش
حج میباشد میتواند اجیر شود از برای حج دیگری یا نه ج اگر که ممکن
است تکلیف خود را اداء نماید جایز نیست س (۵۲۸) کسیکه به نیابت
دیگری بحج و مدینه برود میشود نیابت زیارت قبر هم از دیگری هم
بگیرد یا نه ج مشکل است س (۵۲۹) شخصی اجیر شده از جهت صوم و
صلوة زید حال میخواهد بدیگری بدهد جایز است یا نه ج اگر شرط
مباشرت نشده ضرر ندارد س (۵۳۰) شخص طفل صغیر را با اجرت
ببرد بخانه بجهت خدمت عملگی جایز است یا نه ج جواب اگر باذن
ولی باشد جایز است س (۵۳۱) شخص زنی بیاورد بخانه بجهت پختن یکمن نان

چهار دانگ را با وجود هند بگوید بکر است آیا چون بکر با و هبه کرده آیا صاحب
نان بری الذمه میشود یا نه ج نه بلکه باید اجرت هند را بدهد باو س (۵۳۲)
زیدی اجیر شده از برای بنائی چه میتواند به بکری بدهد یا نه ج اگر شرط
مباشرت نشده ضرر ندارد

فصل در مزارعه است

س (۵۳۳) در این بلد مرسوم است صاحب ملک زمین خود را بزارعین
میدهد و قرار میدهد هر چه حاصل از زمین عمل آید بالمناصفه
بوده باشد صحیح است یا نه داخل کدام یک از عقود و معاملات است و هرگاه
حصه صاحب زمین بنصاب برسد زکوة تعلق میگیرد یا نه ج داخل
مزارعه است و در حصه هر یک زکوة تعلق میگیرد با تحقق شرایط

فصل در احکام شراکت

س (۵۳۴) ملکی را دو نفر شریک شده اند یکی مباشر درختهاست و دیگری
مداخله نمیکند یا ثمره درختها را جمع بعمل میآورد یا نه باید بالمناصفه
قسمت نمایند ج اگر مال مالک هر دو است ثمره هم مشترکست و از برای عامل
حق العمل است اگر باذن شریک کرده است و اگر مال مال یکی از آنهاست
ثمره مال همانست و باید اجرت زمین را بآن دیگری بدهد بقدر الحصه
و اینها بتوانند برضای هر دو است س (۵۳۵) هرگاه سه نفر سرمایه جمع
دکانی بدهند بعنوان شراکت که یکی دو نفر آنها در دکان مشغول
کاسبی و یکنفر خارج دکان و قرار داده اند که از مدخول دکان نقدی هر سه نفر
یکی از آن بردارند و مقداری باین نحو برداشت نموده اند و حق آن یک نفر خارج

داده اند حالا آن یکنفر خود مطالبه مبلغ معینی و سرمایه را دارد یا نه ج
در شراکت باید نفع و ضرر را شرکاء بنسبت سرمایه متحمل شوند و هر چه
برداشته اند حساب میشود از این باب س (۵۳۶) ملکی و روغنی بین چند
شریک است و یکی از آنها سفر کرده بعد از مدتی مراجعت نموده میتواند مطالبه
حق خود را از ایشان نماید یا نه ج اگر مصرف نموده اند باید حق او را
بدهند س (۵۳۷) دو نفر شریک سرمایه ایشان بالسویه است و شرط
میکنند یکی ثلث ببرد از ربح و دیگری دو ثلث چه صورت دارد ج مشکل است
مگر آنکه اجیر شود از جانب شریکش در عمل و زیاده را از بابت عمل بردارد
س (۵۳۸) هرگاه دو نفر شریک شوند و سرمایه آنها تفاوت داشته
باشد و با هم قرار بدهند که ربح و ضرر را بالسویه قسمت نمایند چه صورت دارد
ج مشکل است س (۵۳۹) در کوچه مشترک زقاقی که در آن ده خانه میباشد
یکی از آنها بخواهد احداث رشیه یا بیخره بسمت کوچه نماید جایز است یا نه
ج باید اذن بگیرد از باقی شرکاء علی الاحوط س (۵۴۰) وجهی را زید نزد
عمرو امانت گذاشته بود و او بهند هبه نموده از برای خودش و منافع را
صرف مخارج خودش میکند چون ببیند که خیانت است صرف کردن آن وجه
چه صورتی دارد یا نه ج اگر برضا نباشد ضرر ندارد

فصل در لقطه است

س (۵۴۱) لقطه که قابل تعریف نیست مثل روپیه یا اشرفی حکمش
چیست ج اگر مأیوس از صاحبش شد تصدق کند از جانب او س (۵۴۲)

جواهر او در بیابان بیابند و قصد تملک کنند بعد از مدتی صاحب آن پیدا
شود حق دارد که عین آن را باز دو وارث یا بگیرد یا خیر ج در صورتیکه تلف
جایز باشد مالک حقی ندارد

در احکام غصبیست

س (۵۴۳) مال غصبی سهواً بدست شخصی برسد ضامن است یا نه و فرقی
هست که قوه رد به صاحب اصلی نداشته باشد یا نه و اگر عمداً تصرف
کند چه صورت دارد ج مطلقا ضامن است و فرقی بین عمد و سهو نیست س (۵۴۴)
شخص مالی بزور گرفته از زیدی میبرد به امان زید مذکور رهیده اند مشغول
ذمه هست یا نه ج اگر بعنوان مال خودش میدهد مشغول ذمه است
س (۵۴۵) مالک املاک زید را عمرو غصب نموده و تلف کرده آیا ضامن است یا نه
ج ضامن نیست س (۵۴۶) تخلی نمودن در ملک غیر بی اذن مالک
جایز است یا نه ج جایز نیست

فصل در احکام دین است

س (۵۴۷) زید از عمرو طلب دارد مطالبه کرده و منکر شود و امکان از اداء
دین هم دارد زید بقدر طلب خود میتواند بی اذن حاکم شرع از مال او
تقاص بکند یا نه ج اگر شرایط تقاص جمع باشد اذن حاکم شرع لازم نیست
س (۵۴۸) مستثنیات دین را بیان فرمائید ج خانه و اثاث البیت و عیال
و کتب و لباس و مرکوب بقدر ضرورت و شأن و نحو اینها س (۵۴۹)
مدیون که ممکن از اداء دین دارد و اداء نمیکند اول وقت میتواند نماز
کند و اعمال مستحبه را بجا آورد یا نه ج نماز و اعمال مستحبه باطل
نیست هرچند عاصی است بمماطله طلبکار با تمکن س (۵۵۰) شخصی

فوت شده مظالم در ذمه دارد و چند طلبکار دارد تقسیم مال آن چه قسم است
ج مظالم هم از جمله دیون است س (۵۵۱) شخصی واجب الحج بوده رد مظالم گردن
داشته و کفاره هم داده است فوت شده مال آن کفاف نمیکند ج تقسیم
میشود بر همه بالنسبه و اگر سهم حج وفا به آن نکند آنهم در سایر دیون داده میشود
س (۵۵۲) کسی پول بکسی بدهد قرض و شرط کند با او که باید وزن گندم را
بمن بفروشی به بیع سلف با اقل از قیمت متعارف جایز است یا نه ج این شرط
در ضمن قرض صحیح نیست اما اگر سلف واقع شد و در ضمن آن شرط کند قرض
الحسنه را ضرر ندارد س (۵۵۳) هرگاه کسی قرض گرفته بشرط منفعت که تا
باشد منافع مال صاحب اصل مال است یا مال قرض گیرنده بر فرض اول
مقترض لباسی از منافع او یا از اصل مال نماید نماز او صحیح است یا نه ج
قرض ربوی مملوک مقترض نمیشود و تجارت با او مانند تجارت مال غیر است در
اگر مالک امضا کند به مال داده است الا تجارت باطل است و نماز در او در
معلوم نیست بطلانش

در احکام رهن است

س (۵۵۴) در رهن صیغه شرط هست یا نه ج بمعاطات هم صحیح است س (۵۵۵)
صیغه رهن را چه نحو باید جاری نمود ج بگوید رهنتک هذا و آن بگوید قبلت
کافیست س (۵۵۶) در رهن قبض و اقباض هم شرط است یا نه ج بلی س (۵۵۷)
رهن ملکی که وقف اولاد بوده باشد صحیح است یا نه ج نه س (۵۵۸)
کسی قدری پول از زیدی گرفته و قطعه باغ خود را رهن گذارده است بدون
شرط اجاره او را مرتهن حق دارد که مطالبه نماید یا نه ج نه س (۵۵۹)

و در رهن تعیین اجل لازم است یا نه جـ اجل آن معین میشود بتعیین زمان
قرض و رهن صحیح است جـ ~~اجل الرهن معین میشود بتعیین~~

س (٥٦٠) قبل از ظهور برگ سبز منافع باغ را بعد از ظهور ضمیمه میتوان صلح کرد یا نه
جـ صلح صحیح است با ضمیمه بعد از ظهور نیز

فصل در وکالت است

س (٥٦١) هرگاه زید خانه خود را رهن داده بعمرو بموعد معین بمبلغی و بر ازاء آن
منافع خانه را در ضمن عقد صلح نموده و زید را وکیل نموده در صورت حلول وعده
و عدم وفاء دین اجاره بکند منافع رهن را بخود راجع نماید بعد راهن فوت شده
و حلول وعده و وفاء دین نشده عمرو میتواند بحسب وکالت منافع رهن را بخود
راجع نماید تا زمان وفاء دین یا نه جـ بموت مالک وکالت هرچند لازم
باشد باطل میشود س (٥٦٢) صغیره وکیل نمود مردی را در مرافعه نمودن
و کل عقد که صغیره را از برای خود شان یا عقد این صحیح است یا باطل جـ
عقد شرعی فضولی است و موقوف است بر اجازه پس اگر صغیره اجازه نکند باطل
خواهد بود س (٥٦٣) شخصی که وکالت گرفت در صیغه با دوام مثلاً ایا
تو مادام لازم است که بگوید بعقدی یا با اجل و اگر تعیین نکرد صحیح است
یا نه جواب لازم نیست بلکه اطلاق کافی است

فصل در هبه است

س (٥٦٤) زید چند نفر اولاد داشته باشد بعجب یکی از آنها دختری عقد
فضولی نموده بمبلغ معینی و داده مشروط باینکه عقد را پسرش اجازه نماید بعد از

اعلام

اعلام پسرش عقد را قبول نکرد زید فوت شد حال مبلغ مال آن یکنفر
میباشد یا باید بهمه ورثه تقسیم شود جـ باید بهمه ورثه تقسیم شود انشاء الله
س (٥٦٥) هرگاه کسی باغ معینی را بزید هبه نمود باین نوع که بگوید این باغ
معین معلوم را بتو و باولادهای تو هرچه پایین بیایند تا ابد بخشیدم
دیگر من و وارثهای من بر این باغ تسلط نداریم الی یوم القیمة بعد از ایجاب و قبول
و تصرف چند سال نمودن متهب فوت شد بعد از چند پشت از هر دو طرف اگر
ورثه‌های واهب رجوع کنند بر آن باغ رجوعشان صحیح است یا نه جـ هبه بعد از
قبض و موت واهب لازم است و ورثه واهب حق رجوع ندارند س (٥٦٦) صغیره
مالی را هبه کرد بشوهر خود یا برادر خود که او را ببرد کربلا مثلاً اگر نبرد او را
و عین همان مال هم تلف نشد صغیره میتواند فسخ و رجوع کند یا نه
جواب هرگاه معوضه باشد دور نیست که رجوع بمثل و قیمت شود

فصل در احکام وقف است

س (٥٦٧) زمین معینی را شخصی سه ربع او را وقف نموده و یک ربع دیگر را
بیکی از اولاد خود بخشیده و دیگری را متولی وقف قرار داده حال متولی میتواند
سه ربع وقف را مفروز نماید یا نه جـ بلی میتواند طلب قسمت کند س (٥٦٨)
متولی وقف اگر خائن شود یا عادل نباشد حاکم شرع امر بعدل و یا عزل نماید
یا نه جـ کسی را ضم نماید که مانع شود از خیانت س (٥٦٩) اگر ملکی باشد
که در آن سه چهار نفر شریک باشند و یکنفر حصه خود را وقف کند و دیگران
حصه خود را بظالمی بفروشند که او تصرف بمال موقوف میرسد آیا جایز است در

اینصورت متولی حصه وقف خرج شد و جای دیگر ملک بخرد و عمل کند بوقفنامه بحسب خواهش واقف یا نه ج جایز نیست س (۵۷۰) ملک موقوفه کنار دریا واقع شده باشد که گاه گاه املاک غرق میشود و ضرر کلی میرسد آیا متولی میتواند که این را بفروشد و بجای دیگر بخرد وقف کند و موافق وقفنامه عمل کند یا نه ج جایز نیست س (۵۷۱) هرگاه اولاد واقف اجاره موقوفه را بگیرند قسمت کنند و بخورند و موافق وقف عمل نکنند چه صورت دارد ج حرام است س (۵۷۲) اگر حمام وقفی گرم نماید قصدش این باشد که اولا خودش استعمال آب آن نماید آیا موقوف علیهم در استعمال آب آن محتاج باذن او هستند یا اینکه آب از خود حمام وقف حمام است و گاه هست که اجرتهم یا بکش بازاء این عمل میدهند تکلیف را معین فرمائید ج اختصاص آب وقفی بگرم کننده آن معلوم نیست تا محتاج باذن آن باشد

فصل در احکام وصیت

س (۵۷۳) شخص وصیت کند که عشر نام فرزند خود را که فرزند من نیست ارث ندهید تکلیف اوصیاء و قیم چیست ج این وصیت نافذ نیست س (۵۷۴) از برای ولی صغیر جایز است ملکی را هرگاه صغیر [illegible] بفروشد و اداء وجه او را نماید یا نه ج بلی جایز است با مصلحت س (۵۷۵) شخصی فوت شده دو وصی قرار داده و یک ناظر و هر سه خائن شدند تکلیف چیست ج حاکم شرع علاج نماید س (۵۷۶) شخصی فوت شد و دو وصی قرار داد یکی از آنها فوت شده و دیگری هم خائن است تکلیف چیست ج حاکم شخصی را ضم میکند بآن خائن س (۵۷۷) هرگاه کسی دو وصی قرار داد و ثلث خود را

یکی از اوصیاء بعد از موصی فوت شد حال دیگری مستقل میشود یا حاکم شرع باید کسی را ضم نماید ج دیگری مستقل نمیشود س (۵۷۸) موصی وصیت کرده با وصیاء خود در دادن خمس و سایر امورات و اوصیاء امتناع دارند در دادن آنها و ورثه را حقی هست که تنازع نمایند با وصی و او را مجبور کنند در دادن یا نه ج حاکم شرع او را الزام میکند بر عمل بوصیت س (۵۷۹) وصی ثلث میت را بعد اگذاشتن برای عمل بوصیت بدون تقصیر تلف شود ضامن است یا نه و عمل از موصی ساقط میشود یا نه ج اگر تاخیر مستند بتفریط و تقصیر نباشد ضامن نیست و عمل از میت ساقط نمیشود س (۵۸۰) ناظر بدون اذن وصی مخارجی کرد و وصی امضاء نکند صحیح است یا ضامن است ج صحیح نیست ضامنست س (۵۸۱) زید و عمرو وصی بکوند و توافق با هم ندارند در خلاف رای یکدیگر نظر دارند و بکر هم وصیت کرده بدون تعیین مصارف حکم مسئله را بفرمائید ج حاکم الزام میکند هر دو را بر توافق ولو بر اختیار مختار حاکم س (۵۸۲) شخصی فوت شده بدون وصیت و حج بر ذمه اش بوده است وارث امتناع دارد از دادن حج کسیرا میرسد مجبور کند وارث را بدادن حج یا نه ج حاکم شرع جبر میکند او را بر دادن حج از ترکه س (۵۸۳) هرگاه کسی فوت شده شخصی را وصی قرار داده و ثلث خود را معین در یک قطعه ملک نموده صوم و صلوة خمس رد مظالم هم خواسته و زیادی ثلث را سایر خیرات قرار داده حال وصی هرگاه ملک را مدت پنج ساله اجاره بدهد در عوض پنج سال خمس و رد مظالم و صوم و صلوة داده میشود جایز است

نه برعکس از اجاره ملک بگیرد و بدهد با آنکه باید بفروشد و بکرایه بدهد
ج باید یکدفعه بدهد و تاخیر عمل بوصیت با امکان تعجیل جایز نیست

فصل در احکام نکاح است

س (۵۸۴) زن نصرانیه را بعقد دائمی در آوردن جایز است یا نه ج جایز نیست
س (۵۸۵) هرگاه زنی زده که فقط تجدید یا عقدش نمایند یا نه همان عقد اول
اکتفا نمایند ج اگر غیر مدخوله باشد عقد جدید لازم است بعد از توبه
و اگر مدخوله باشد قبل از انقضای عده توبه کنند عقد جدید لازم نیست
کسی با زنی در عده وفات زنا کند بعد از عده میتواند او را بعقد خود در آورد
یا نه ج حرمت معلوم نیست احوط ترک است س (۵۸۶) ضعیفه یقین کرد
که شوهرش وفات کرده بعد از عده شوهر کرد بعد معلوم شد شوهرش آنوقت
نمرده بود حال آن زن از شوهر جدا شده و عده وفات شوهرش را نگاه داشته
این شوهر ثانی میتواند او را بگیرد یا خیر از برای اینهم عده لازم است یا نه
ج عقد بر ذات البعل ظاهراً ملحق بعقد در عده است پس با احتمال اگر دخول
شده باشد حرام مؤبد میشود س (۵۸۷) شخصی خرج زنی که در عده است
میدهد با امید آنکه بعد از عده اش او را بگیرد فعل چنین شخصی با این امید
مشروع است یا نه و بعد میتواند او را عقد کند یا خیر ج ضرر ندارد
س (۵۸۸) شخص میتواند خواهر رضاعی برادر خود را عقد کند یا نه ج مشکل
است و احوط ترک است س (۵۸۹) صیغه تزویج بفارسی که مرد و زن با هم بکر
بخوانند اعم از اینکه ممکن باشد که بعربی خوانده شود یا ممکن نباشد جایز است

یا نه ج با امکان عربی اکتفا بغیر آن ننمایند س (۵۹۰) اگر قبل از بلوغ
لواطی واقع شود خواهر و مادر و غیرها از طرف ملوط بر لاطی حرام میشود
یا نه چنانچه بعد از بلوغ حرام میشود ج احوط ترک تزویج است بخصوص
خواهر و مادر ملوط س (۵۹۱) شخص زنی میگیرد بخیال باکره بودن بعد
که موافقه نمود دانست ثیبه است و مهرش مثلاً ده تومان است مهرش نصف
میشود یا نه ج اگر شرط نشده است و تدلیس هم نشده چیزی کم نمیشود و
اگر تدلیس کرده باشد بر میگردد بمهر المثل اگر شرط نشده باشد مقدار
بر فرض ثیبه بودن س (۵۹۲) زید زنی را بعقد خود در آورد بعد از مجامعت
بعد معلوم شد که ثیبه است بلا اختیار فسخ دارد یا نه و حق او چه قدر است
طلاق لازم دارد یا نه ج اگر شرط بکارت کرده باشد و ثابت شود که قبل از
عقد ثیبه بوده است و معین است که خیار فسخ داشته باشد لکن احوط است که
اگر او را نخواسته باشد نگاه دارد طلاق دهد و مهر تعیینی اگر دخول کرده مهر
لازم است لکن اگر او را نگاه دارد تفاوت باکره و ثیبه را از مهر کم میکند و
اگر فسخ کند رجوع میکند بمهر بر کسیکه تدلیس کرده س (۵۹۳) ضعیفه
که ناشزه شده زوج اینجا و خرج میدهد بدون طلاق زوجه میتواند از بابت
مهرش محسوب نماید یا نه ج مشکل است مگر آنکه بزور از او بگیرد خرجی را
س (۵۹۴) زوج فوت شده نفقه و کسوه از او مانده از متعلقات است یا بزوجه
میرسد ج از متعلقات است س (۵۹۵) شخص عیالش مریض شود سوای
نفقه و کسوه حق العلاج طبیب دوا و سایر مصارف و مخارج و غیره را که دخلی

بنفقه و کسوه ندارد باید زوج بدهد یا به عهدهٔ خود زوجه میباشد ج
از قبیل تصریح نمود مانند بجو... اگر باشد پول دوا و طبیب اجل در نفقه
واجبه نیست بلکه بر خود زوجه است ولکن احوط از برای زوج آنست که بدهد
س (۵۹۶) نفقه پدر و مادر بر چه کسانی واجبست ج بر اولاد و اولاد اولاد
اگر پدر و مادر فقیر باشند و اولاد متمکن باشد س (۵۹۷) آب غسل و قیمت
و قیمت آن در حالتیکه قیمت لازم باشد بر مرد واجبست یا نه و هم چنین سرمه
و گِل سر شود ج دادن آب غسل و سرمه معلوم نیست اما گل و روغن و شانه
و نحو از آلات تنظیف نیز بعضی تصریح بوجوب آن کرده اند و آن احوط است
س (۵۹۸) مانند باجه و نحوها هرگاه شوهر بکم لاابالی حال ایشان باشد
پیدا شود و اخبار نکنند بدون مانع یا نفقه ایشان بر منفق واجب است
یا نه و هم چنین دختر بکر شوهر بدون مانع قبول نکند واجب النفقه از پدر شود
یا نه ج اینها مسقط وجوب نفقه و کسوه معلوم نیست باشند والله العالم

در احکام متعه است

س (۵۹۹) متعه نمودن با زن کتابیه جایز است یا نه ج جایز است س (۶۰۰)
متعه نمودن با زن فاحشه جایز است یا نه ج جایز است س (۶۰۱) اجراء
صیغه متعه بزبان عجمی و غیر آن جایز است یا نه ج جایز نیست مگر با تعذر عربی
س (۶۰۲) دختر صغیره را باذن پدر بجهت محرمیت یکماه یا بیشتر صیغه میکنند
جایز است یا نه ج بلی جایز است س (۶۰۳) هرگاه شخص زن را مدتی خود مطلقه
ساخته و میخواهد متعه نماید او را محتاج بانقضای عده هست یا نه ج بلی

محتاج است بانقضای عده چون اگر در عده باشد حکم رجوع دارد علی اشکال س (۶۰۴)
زید زنی را متعه نمود مدتش را بخشید یا سر آمد میخواهد خواهر او را متعه
نماید جایز است یا نه ج احوط آنستکه صبر کند تا از عده خارج شود س (۶۰۵)
منقطعه نمودن صغیره را بشرط عدم مقاربت چه صورت دارد و بعد از عقد
اگر راضی شود بمقاربت جایز است مقاربت یا نه عقد جدید لازم است یا نه ج
شرط صحیح است و اگر راضی شود جایز است بدون عقد جدید هر چند احوط عقد
جدید است س (۶۰۶) در عقد هرگاه سه مرتبه طلاق بدهند و رجوع نماید
دیگر او زن را نمیتوانند که عقد کنند مگر بعد از آنکه محلل واقع شود یا در منقطعه هم
همین قسم است یا خیر ج در صیغه چنین نیست س (۶۰۷) شرایطیکه در عقد
انقطاعی مثلا از ارث و خوابیدن و سکنی و امثال اینها اگر در خارج عقد قرار
داده شود آیا لازم الوفاء است یا نه یا آنکه در ضمن عقد لابد باید شرط شود
ج باید در ضمن عقد ذکر شود س (۶۰۸) در این بلد مرسوم است که عقد
انقطاعی میخوانند زوج در حال قهر و غضب میگوید برو جبر خود برو نمیخواهم
تو را یا بلکه گاه هست که میگوید مدت تو را بخشیدم و بعد از مدتی هم ان ضعیفه را
میگیرد بدون عقد جدید آیا این نحو جایز است یا محتاج بعقد جدید است
ج اگر غضب بنحویستکه بدون قصد میگوید اثری ندارد و اگر با قصد است
مؤثر است س (۶۰۹) انشائی که در عقود لازم است معنیش حیثیت یا حال
ملحوظ خاطر باید باشد یا از لوازم عقد است بر فرض ثانی اگر عاقد مطلقا
حال در عقد بکند یا از انشاء بیرون میرود یا نه بعبارت واضح بیان فرمایید

ج انشاء از مفاهیم واضح عرفیه است که زمان و زبان متعین نیست بایجاد رابطه
مشهور و عیان است اذا هما متعین نیست

در احکام طلاق

س (٦١٠) اگر در بلدی عادل معلوم نباشد یا عادل نباشد آیا بنحوی طلاق
ممکن است یا رجوع ببلد دیگر که عادل پیدا شود باید نمایند ج رجوع ببلد
دیگر کنند س (٦١١) هرگاه مرد بگوید طلاق دادم زن خود را آنجا جست در
اخذ آن زن غیر را یا بچیزی صحت طلاق نماید و صحیح ها ولیین را الا ذم نیست اگر
پیمان با مظنه بعدم حضور عدلین داشته باشد ج با احتمال حضور شرط
محمول بر صحت است س (٦١٢) اگر زن بگوید مطلقه میباشم مصدقه است یا نه
ج مصدقه است اگر معارض نباشد س (٦١٣) زن ادعای خروج از عده
میکند مصدقه است یا نه و هکذا در ادعای موهبت مدت متعه مصدقه است یا
ج در همه اینها مصدقه است اگر معارض نباشد س (٦١٤) ضعیفه شوهرش
مفقود شده چند سال هم گذشته حال میتواند نزد حاکم شرع طلاق خود را
بگیرد یا نه ج بعد از آنکه رجوع بحاکم شرع مبسوط الید نماید و مالی
از برای غایب نباشد که خرج زوجه اش کند چهار سال تفحص کند و بالجمله
نمیشد و بعد از آن او را طلاق دهد و اینها همه در ایام صبر نیست پس باید
صبر کند س (٦١٥) در جائیکه عادل یافت نمیشود و زنها را طلاق میدهند
دیگری میتواند بنکاح خود در آورد یا نه ج بدون حضور عدلین طلاق
صحیح نیست س (٦١٦) شخصی زوجه خود را طلاق داد و در همان روز در
همان مجلس طلاق فوری بعقد انقطاعیه در آورد آیا بر حسب حکم مطاع نیز

را می یابد با انقطاعیه یا فی مابین تحکم را مرقوم فرمائید ج حکم انقطاعی
برای و جاری نیست و اجراء حکم دوام بعد از تعدد رجوع مشکل است احتیاطا
نیاید ترک کرد س (٦١٧) شخص زوجه اش را در حضور عدلین طلاق میدهد
بعد از انقضای عده ادعای رجوع میکند و شاهد در شیء ندارد تکلیف
زوجه چیست ج اگر علم بصدقش ندارد بعد بعقش میتواند نمود و اگر شاهد
بوکرده یا بعد عقد چه باید بکند س (٦١٨) تا حال دو کس از اهل اینجا آمده
که عیال را طلاق بدهد گفتم عادل در اینجا نمیشناسم آنها گفتند چاره
کنید والا امروز هم در محکمه انگریزی طلاق میدهند و زنها هم را میگویند
تکلیف چیست ج کسی را وکیل کند که او دو عادل بشناسد س (٦١٩)
شخصی میداند که طلاق در حضور عدلین کرده اند عادل نبوده اند آیا میتواند
از برای عقد خود یا برای دیگری عقد نماید یا نه ج بسیار مشکل است

در احکام عده است

س (٦٢٠) ابتداء عده طلاق و ابتدای عده متعه از وقت توهیب است
یا اطلاع زن و عدم طلاق و متعه را بیان فرمائید ج از وقت هبه
و طلاق است و عده در طلاق سه طهر است یا سه ماه و در متعه دو حیض است
یا چهل و پنج روز و در حامل وضع حمل است س (٦٢١) زن متعه که زوجش
فوت شده عده او چند است ج مانند دائمه است یعنی چهار ماه و ده روز
س (٦٢٢) ضعیفه مطلقه سه ماه از عده اش گذشته زوجش فوت شده
حال باید عده طلاق را نگهدارد یا عده وفات ج اگر رجعیه است

مثل

دائمی یا بانقطاعیه باقی میماند حکم را مرقوم فرمایند ج حکم انقطاعی
بر او جاری است و اجراء حکم دوام بدون تجدید رجوع مشکل است احتیاطاً
نباید ترک کرد س (۶۱۷) شخص زوجه‌اش را در حضور عدلین طلاق میدهد
بعد از انقضای عده ادعای رجوع میکند و شاهد در بین ندارد تکلیف
زوجه چیست ج اگر علم بصدقش ندارد بعقد غیرش نمیتواند نمود و اگر بخواهد
بر گردد باید عقد جدید بکند س (۶۱۸) تا حال دو کس از اهل اینجا آمده
که عیال را طلاق بدهید گفتم عادل در اینجا نمیشناسم آنها گفتند چاره
کنید والا میرویم در محکمه انگریزی طلاق میدهند و زنها همین را میگویند
تکلیف چیست ج کسی را وکیل کنند که دو عادل بشناسد س (۶۱۹)
شخص میداند که طلاق در حضور عدلین که داده اند عادل نبودند یا میشود
از برای مصلحت خود یا برای دیگری عقد نماید یا نه ج جواب مشکل است

در احکام عده است

س (۶۲۰) ابتداء عده طلاق و ابتدای عده متعه از وقت هبه است
یا استماع زن و همین طلاق و متعه را بیان فرمائید ج از وقت هبه
و طلاق است و عده در طلاق سه طهر است یا سه ماه و در متعه دو حیض است
یا چهل و پنج روز و در حامل وضع حمل است س (۶۲۱) زن منقطعه که زوجش
فوت شده عده او چند است ج مانند دائمه است یعنی چهار ماه و ده روز
س (۶۲۲) صغیره مطلقه سه ماه از عده اش گذشته زوجش فوت شده
حال باید عده طلاق را نگهدارد یا عده وفات ج اگر رجعیه است و

قبل

قبل از انقضاء عده طلاق زوج وفات کند باید عده وفات از حال موت بگیرد
س (۶۲۳) زن دائمی را زوج طلاق داد و یائسه میباشد یا عده دارد یا نه
ج یائسه عده ندارد

در احکام رضاع است

س (۶۲۴) دختر زید زن عمرو است طفل عمرو را عیال زید شیر داده و
تمام شرایط رضاع حاصل شده چه صورت دارد ج دختر زید بر عمرو حرام
میشود چون از اولاد صاحب لبن است که پدر مرتضع است س (۶۲۵)
عمه شیر دهد برادرزاده را چه صورت دارد ج احوط ترک است س (۶۲۶)
زنی که نوه دختری خود را شیر دهد چه صورت دارد ج دخترش حرام
میشود بخانه شوهر س (۶۲۷) هرگاه زنی بعقد انقطاعی شخص در آمد و بعد
از انقضای مدت معتده شد و قبل از اکمال عده نسیاناً بعقد دائم شخص
دیگر در آمد و بعد طلاق گرفت و اکمال عده او را کرده معقوده شد بعقد
دائمی ثالثی ثم طلاق گرفت و اکمال عده ثالث را کرده ثم بنا دارد و آمد که عقد
زوج اول را که بعقد انقطاعی او در آمده بود اتمام نکرده و در جمیع عقود مذ
وطی هم محقق نشده چه کند یا استیناف عدد را جمیعاً کند یا اکمال عده
زوج اول یا قیمت را استبراء ببینوا توجروا ج تکلیفش اتمام عده اولی و
بعد از آن یک عده تامه از برای دوم و یک عده تامه از برای سیم پس اگر
عده اش بشهور است باید هفت ماه و نیم از زمان انقضای مدت انقطاع
بگذرد تا آنگاه از عده ها خارج میشود و اگر باقراء است باید دو حیض و شش
طهر بعد از انقضای مدت انقطاع دیده باشد تا از عده خلاص شود

در

قبل از انقضای عدهٔ طلاق زوج وفات کند باید عدهٔ وفات از حال موت بگیرد
س (۶۲۳) زن دائمی را زوج طلاق داد و یائسه میباشد یا عده دارد یا نه
ج یائسه عده ندارد

در احکام رضاع است

س (۶۲۴) دختر زید زن عمرو است طفل عمرو را عیال زید شیر داده و
تمام شرایط رضاع حاصل شده چه صورت دارد ج دختر زید بر عمرو حرام
میشود چون از اولاد صاحب لبن است که بر پدر مرتضع حرام است س (۶۲۵)
عمه شیر دهد برادرزاده را چه صورت دارد ج احوط ترک است س (۶۲۶)
زنی که نوهٔ دختری خود را شیر دهد چه صورت دارد ج دخترش حرام
میشود بخانهٔ شوهر س (۶۲۷) هرگاه زنی بعقد انقطاعی شخص درآمد و بعد
از انقضای مدت معتده شد و قبل از اکمال عده نسیاناً بعقد دائم شخص
دیگر درآمد و بعد طلاق گرفته و اکمال عدهٔ او را کرده معقوده شد بعقد
دائمی ثالثی ثم طلاق گرفت و اکمال عدهٔ ثالث را کرد ثم بیاد او آمد که عدهٔ
زوج اول را که بعقد انقطاعی او درآمده بود اتمام نکرده و در جمیع عقود مذکوره
وطی هم محقق نشده چه کند آیا استیناف عده را جمیعاً کند یا اکمال عدهٔ
زوج اول یا نیت استبراء بیاورد ج تکلیفش اتمام عدهٔ اولی و
بعد از آن یک عدهٔ تامه از برای دوم و یکعدهٔ تامه از برای سیم پس اگر
عده اش بشهور است باید هفت ماه و نیم از زمان انقضای مدت انقطاع
بگذرد آنگاه از عده ها خارج میشود و اگر باقراء است باید دو حیض و شش
طهر بعد از انقضای مدت انقطاع دیده باشد تا از عده خلاص شود

در احکام نذورات است

س (۶۲۸) نذر طفل نابالغ و مملوک بدون رخصت مالک چه صورت دارد
ج صحیح نیست س (۶۲۹) شخص چیزی نذر اولاد خود کند دادن لازمست
یا نه ج بلی لازم است س (۶۳۰) شخصیکه مذهبش معلوم نیست مبلغی
در کیسه بکسی بدهد و بگوید نذر حضرت عباس است میخواهی خودت
بردار میخواهی بفرست بکربلا درین صورت جایز است که خود آنکس پول را
بردارد و تصرف کند یا نه ج باید بکربلا بفرستد که بزوار فقیر داده
شود س (۶۳۱) هرگاه کسی نذر کند که اول هر ماه روزه بگیرد در حین
نذر غافل بوده از حرمت روز عید چه کند ج روز عید افطار کند و احتیاطاً
قضا کند س (۶۳۲) امامزاده هائیکه در بعضی بلاد عامه هستند و
معلوم نیست که فرزند کدام معصومند نذورات آنها را بعضی از کسانیکه
خود را شیعه میدانند جمع نموده صرف خوراک و ملبوس خود و زوجه شان
میکنند و خود را خدام میدانند اگر کسی این نذورات را صرف فقراء یا
زوار کربلا یا تعزیه داری امام حسین علیه السلام مانند چراغ و فرش
و ظرف و اسباب تعزیه نماید جایز است یا نه ج نذورات مشاهد مشرفه
باید صرف خدمه و چراغ و جاروب و فرش و تعمیر آنجا بشود و همچنین بزوار
فقیر که بزیارت مشاهد آمده اند داده شود س (۶۳۳) نذوراتیکه زوار
از جهت مشاهد مشرفه حمل میکنند مثل شمع و طلا و نقره و غیر ذلک چه نحو
برسانند ج شمع را در حرم بسوزانند و طلا و نقره را بزوار فقیر بدهند

در احکام صید و ذباحت

س(۶۳۴) صیادی تیر را بغیر قبله عمدا سر برید رها کند شکار حلال است یا حرام
ج حلال نیست س(۶۳۵) بامر زیدی عمرو ذبح حیوانی نمود بعد معلوم
شد که شرعی نبوده زید میتواند ادعای اجرة المثل کند یا نه ج
اگر تعدی یا تفریط کرده باشد ضامن است تفاوت قیمت را س(۶۳۶)
کرک دل کوسفند را با جگرش یا شش را معده یا کلاه یا احدیها مع الغیر
با اجزاء دیگر بریده بعد از آن کر او را ذبح کنند حلال است یا نه ج
هر گاه هنوز حیوة دارد و تذکیه کنند حلال میشود س(۶۳۷) در
ذبح حیوان سه اوداج بریده شده و حلقوم بریده نشده و بعد از بریدن
آنها ببرند حلال است یا نه چه عمدا چه سهوا و این چنین غیر حلقوم اگر
رگی از چهار رگ باقی بماند بعد ببرند حلال است یا نه و اگر دو رگ بریده
شود بعد دو تای دیگر ببرند حلال است یا نه ج اگر در حکم میت نشده
است و هنوز حیوة دارد که قابل تمام عمل س(۶۳۸) صاحبان کتاب
هر گاه ملخی بگیرند یا ماهی از آب خارج نمایند حلال است یا نه ج
در گیرنده ملخ و ماهی اسلام شرط نیست س(۶۳۹) اهل کتاب هر گاه حیوانی
ذبح نمایند بطریق شرعی حلال است یا حرام ج ذبح و نحر ایشان حرامست
س(۶۴۰) صیادی که اوداج اربعه را ببرند رها نمایند بمحض قطع که خون
او بیرون شود اگر چه رو بقبله نباشد یا آنکه بعد از بریدن نگاه دارند
و بر فرض نگاه داشتن رو بقبله چه قدر باید نگاه داشت ج در حال

ذبح و نحر رو بقبله بودن کافیست و نگاه داشتن لازم نیست س(۶۴۱) قبله
این اطراف تحقیقی نیست و مثل کالکته یا لاهور یا کشمیر کرو و مغرب میکنند
مشروط بقبله را کافیست یا نه ج تحری بکنند نماز میکنند کافیست س(۶۴۲)
در وقت ذبح بسم الله والله اکبر بوقف کافیست یا نه و قصد قربت و فتح خواندن
باید بکنند و قصد اینکه این را میخواهم تا حلال شود و اگر با واو و بدون همزه بالله
وصلا یا بسم الله و یا بسم الله وصلا بسکون ها و سکون همزه الله یا بدون
واو مع الوصل و سقوط الهمزه تمام صور همینها از آن جمله است یا نه ج همینها
کافیست قصد قربت و تحلیل لازم نیست

در احکام اطعمه و اشربه

س(۶۴۳) نان از دست کفار خریدن و خوردن چه صورت دارد ج ضرر
ندارد مگر با علم بنجاست س(۶۴۴) خریدن میوه جات یا شیرینی از یهود
نصاری و خوردن آن جایز است یا نه ج اگر نجاست آن بملاقات ایشان معلوم
نباشد ضرر ندارد س(۶۴۵) خورانیدن غذای نجس بکفار جایز است
یا نه ج جایز نیست س(۶۴۶) در بین طعام خوردن اگر فضله موش
در طعام دید و خود نخورد لازم است دیگران را که همراه او میخورند اعلام
نماید یا نه ج واجب نیست اعلام س(۶۴۷) شیره از کسی که فضله
موش در او دیدم لازم است او را خبر کنم یا نه ج اعلام لازم نیست

فصل در احکام ارث

س(۶۴۸) زید در حال مرض زوجه خود را طلاق بدهد و بمیرد آیا زوجه
میراث میبرد یا نه ج تا یک سال ارث میبرد س(۶۴۹) هر گاه کسی فوت

شده ومتروکات او کفاف دین او را نمیکند لباس او که جبوه پسر نهد کسی میتواند
فروخت و اداء دینش نمود یا نه ج مجبوره باداء دین مستغرقه نیست بلکه دین را
باید داد س (۶۵۰) هرگاه موروثی وفات نماید ومهر زنش معلوم نباشد که چند
است و ورثه قبول داشته باشند که این مهموره است چه باید کرد ج بصلح
قطع نزاع نمایند س (۶۵۱) درباب ثمنیه زوجه فعلا یا از ترکه و عقار که
منقول وغیر منقول و از زمین وکسب زرع و اشجار و ابنیه و املاک تمام وکمال
باید ثمنیه ببرد یا بعضی از بعضی ج از اراضی چیزی نمیبرد و از قیمت ابنیه
اشجار و عین سایر منقولات میبرد مثل غیر ذات الولد س (۶۵۲) چند باب
دکان وملک در میان چهار برادر مشترک وارث پدر نیست و نفر از آن چهار نفر
مرحوم شده یکی بلا عقب و یکی اولاد دارد عیال آن دو نفر اند که از زمین و املاک
ارث میبرند یا خیر ج زوجه از زمین ارث نمیبرد و از قیمت عمارات و اشجار
میبرد س (۶۵۳) چند نفر شریک هستند و از حکومت وظیفه دارند دو نفر از
آنها فوت شده و همان فرمان باسم چند نفر موجود و وظیفه کما فی السابق مرسوم است
آیا این وظیفه معمول حکومتی زاعیال آن دو نفر مرحوم میبرند یا خیر بطبقه
اول میرسد ج در وظیفه حکومتی فرقی ما بین عیال و ورثه نیست س (۶۵۴)
هرگاه زیدی مرحوم شده بلا وارث و عیالی دارد که مدت یک سال او را عقد
دائمی در آورده فعلا زوجه مستحق تمام صداق میباشد یا نصف صداق هرگاه
وصی مدعی شود که زوجه غیر مدخوله است حکمش چیست ج ظاهرا مستحق
تمام مهر است چنانچه از مشهور نقل کرده اند و بر این تقدیر دعوی غیر مدخوله بودن

نماید یا نه ج س (۶۵۵) شخصی پانزده سال فوت شده هفت پسر دارد و دو دختر
ترکه ایشان منحصر است به یکباب خانه که از عدم تعمیر مشرف بر انهدام است دو
نفر از آن ورثه مدت چهارده سال است رفته اند بروسیه خبر فوت یکی از آنها
رسیده و از یکی دیگر هم را بمدت ابدا خبری نیست و بعضی میگویند او هم فوت شده
حال ورثه خیالی تقسیم خانه را دارند آیا میتوانند که فرض الله تقسیم مابین
خودشان کنند و نوشته بدهند بوصی و قیم هرگاه بعد از آن پیدا شود هر یک
نقد حصه که برده اند رد نمایند یا نه ج هرگاه مدت چهار سال الفحص از حال
آنها نموده اند و ورثه ملی باشند بعید نیست که میتوانند ما بین خود قسمت کنند
و اگر بعد پیدا شود هر کس هر چه برده است رد کند لکن احوط آنست که صبر کنند تا
یقین بموت حاصل شود س (۶۵۶) زیدی هشتاد سال است غایب است و بعد از
مدتی والده اش وفات کرد یک قطعه ملک ارث او را بدهند بدست برادرش بعد از
مدتی آنهم وفات کرده میدهند دست خواهرش آنهم وفات کرد حال میان نوه ها
برادری و خواهری نزاع شده کدام یک اولی بتصرف هستند یا میتوانند تقسیم
نمایند یا اینکه اجازه دهند ج هرگاه فحص از حال مفقود نموده اند تا چهار
سال از هر طرف جو یا شده اند مرحوم فاضل قمی میفرمایند بعد از آن مال او را
تقسیم میکنند در میان ورثه و اگر فحص ننموده اند نمیتوانند تقسیم کرد الا بعد از
گذشتن عمر طبیعی که آن صد سال است در این زمان پس بعد از آن بین هر کس وارث
او است الان تقسیم میشود و عمل این خوب است س (۶۵۷) کسی فوت شده باشد
و اولاد داشته باشد یک پسر و یک خنثی ارث این چه نحو باید قسمت کنند ج خنثی را

تاره پسر فرض کنند و تاره دختر و نصف دو سهم را باو بدهند س (۶۵۸) اولاد جعفر
از پدر ارث میبرد یا نه ج بلی میبرند س (۶۵۹) کسیکه جمع نساء را از لواط کند
بعد اولاد بهم رساند اولادش را از وارث میبرد یا نه ج بلی ارث میبرند س (۶۶۰)
هرگاه کسی فوت شده اولاد ندارد سه برادر دارد یکی ابی تنها یکی امی تنها دیگری ابوینی
ارث را چه نحو قسمت کنند ج سدس برادر امی میرسد باقی بابوینی س (۶۶۱)
زنی فوت شده شوهر دارد و دو خواهر دارد یکی پدری تنها و دیگری امی تنها و
متروکات دارد چه گونه قسمت کنند ج سدس بخواهر مادری و نصف بزوج و باقی
بخواهر پدری

در احکام احیاء موات

س (۶۶۲) زید حق ناودان بخانه عمرو داشته و عمرو آن محل مجری را غارت نشانه
حق زید ساقط میشود یا نه ج القدیم علی قدمه باید مجری را باز کند یا اورا
راضی کند س (۶۶۳) نماه چاه هر اتفاق افتاده در رقبه باغ دیگر بواسطه ایراد
زید باغ را آنجا خراب شده ملاکین را میرسد که اجرت خرابی آن چاه را از زید
مطالبه کنند و هرگاه بخواهند ایشان در باغ زید چاهی از نو بکنند اذن بدهد
یا نه ج زید هرگاه در آباد کردن باغ خود از متعارف تعدی نکرده و عرضش
اضرار نبوده معلوم نیست که ضامن خرابی چاه باشد و هرگاه چاه و عرضش یعنی
بوده بعد بدان ضرر ندارد س (۶۶۴) همسایه باغ غرس اشجار مینماید حریم از چند ذرع
همسایه لازم است یا نه ج اگر اراضی مباحه باشد و ملک همسایه مقدم باشد
حریم بقدریکه ضرر به او نزند س (۶۶۵) در کوچه باغ در اطراف نهر
کسی غرس نخل و اشجار نماید جایز است یا نه ج اگر اطراف نهر مملوک کسی نباشد

ضرر ندارد س (۶۶۶) هرگاه کسی ملک خرابی خرید و غرس میوه و اشجار نمود بعد
از چند سال دیگری آمده است میگوید ملک من است و ثابت نمود نزد
حاکم شرع آیا تعمیر و غرس حق کدام است ج مال غارس است س (۶۶۷)
زمین غصبی شخص زراعت نمود و حاصل بعمل آمده زارع کی است ج مال
صاحب بذر است و غاصب اجرت زمین را بمالک آن بدهد

در احکام قضا و شهادات

س (۶۶۸) هرگاه کسی را اذیت کند که عقلش زایل شود حکم او چیست ج
باید دیه قتل او را بدهد س (۶۶۹) کاشتن درخت در جنب نهر بعد از ثمر
رسیدن زارع یکیست ج مال صاحب مال است س (۶۷۰) آیا قول
زن مسموع است در این باب که بگوید اطلاع بعقد نداشتم و راضی نبودم
یا نه ج دعوی است باید بمرافعه طی شود س (۶۷۱) شخصیکه سرقت یا شراب
خوری از او مشاهده شده است قبل از این فعلاً خودش مدعی ندامت و توبه
است یا بصورت میتوان او را جرح یا نکته بیکرد ج مصدق است در دعوای
توبه س (۶۷۲) آیا تعدد از شهادت اصل شهادت فرع صحیح است یا نه ج
در حقوق الناس صحیح است س (۶۷۳) شخصیکه عقب علماء بد بگوید یا آنکه
بگوید هرگاه حضرت حجت علیه السلام ظهور کند اول گردن علماء را
میزند معاشرت با او چه صورت دارد ج تعزیر او لازم است

فصل در مسائل متفرقه است

س (۶۷۴) چه میفرمائید در باب این دست گردانها یکه معمول است مثلا

به صد تومان منافع از زید دارد عبد هم مجتهد واو ده تومان از زید میدارد
نبود تومان از زید بر میگرداند اما از زید بری میشود یا نه ج مقصود
ما لهما اگر استفاده نباشد وجه تمیز زید بر میگرداند بعنوان صدقه از خودش
نیز بوده و قبول کرده زید شبهه صحیح است و بری میشود س (٦٧٥)
مشهور است که اذان در خوردن واجب لازم است یا صحیح است یا نه ج
معلوم نیست از کجا میگویند س (٦٧٦) کیفیت زیارت عاشورا را بیان فرمائید
چگونه بخوانیم از بعید و قریب ج در زیارت عاشوراء اول صد تکبیر بگوید
بعد اشاره کند بقبر حضرت و زیارت مشهوره را بخواند و بعد از سجده
دو رکعت نماز کند و دعای علقمه بخواند کافیست س (٦٧٧) درختی که
ثمر ندارد قطع نمودنا و جایز است یا نه ج حرام نیست س (٦٧٨) معنا
در اسلام چیست ج شهادتین و عمده انکار ضروریات دین س (٦٧٩)
کیک و شپش و مگس را در آتش سوزانیدن جایز است یا نه ج احوط
ترک است س (٦٨٠) شخصی که نماز نمیکند یا زنا میکند یا شراب میخورد
و اشیء حشریه هم هست غیبت او جایز است یا نه ج اگر متجاهر باشد
ضرر ندارد س (٦٨١) آبی در بیابان در بعضی گودالها جمع شده است نمیدانیم
که آب مطلق است یا مضاف است یا او میتوان وضوء گرفت و تطهیر نمود
یا نه ج اگر معلوم است که آب بوده و شک دارد در اینکه چیزی در آن
داخل شده است استعمال میتوان نمود و اگر آب بودنش معلوم نیست استعمال
نمیشود کرد س (٦٨٢) وقت نماز تنگ است که اگر تیمم کند تمام نماز را

درک

درک میکند و اگر وضو بگیرد یک رکعت را درک میکند تکلیف چیست ج
تیمم کند س (٦٨٣) آب از چشمه بیرون می‌آید و سنگ میشود بر آن سنگ
سجده میتوان نمود یا نه ج اگر عرفا آنرا سنگ بگویند حکم آن دارد س (٦٨٤)
در بلدی ماه یا آفتاب گرفته است در بلد دیگر نگرفته است تکلیف ما چیست ج
در هر افقی که آیات متحقق شود نماز بر کسانیکه در آنجا هستند واجب میشود
س (٦٨٥) گوسفندی با سگ جمع شده بچه از آنها شده حلال است یا حرام
ج اگر آنرا گوسفند میگویند حلال است اگر سگ میگویند حرام است و
اگر هیچکدام نگویند پس اگر شکنبه دارد حلال است و اگر ندارد حرام است
س (٦٨٦) مجرای آب حمام غصبی است غسل کردن در آن حمام چه صورت دارد
ج اگر آب و خزانه حمام مباح است جایز است س (٦٨٧) دو نفر شریک میشوند
مالی را میخرند نسیه که چون مال را فروختند پول صاحبش را بدهند و
منفعت آنرا در بین خود قسمت کنند و همچنین ضرر را چه صورت دارد ج
این شراکت باطل است مگر آنکه هر دو مشتری باشند و مال را بالاشاعه
بخرند پس هر یک بقدر حصه خود مالک ثمن مبیع میشود و منفعت و ضرر
آن هر کدام راجع بخود او است بتنهائی س (٦٨٨) زید حواله دارد بر عمرو
و مدتش نرسیده است و مبلغی کم میکند و نقد میگیرد چه صورت دارد ج
ضرر ندارد س (٦٨٩) زید از عمرو طلب دارد و مدتش نرسیده است عمرو
مهلت میخواهد از زید زید میگوید که فلان مبلغ میگیرم بجهت مهلت تا فلان
زمان و اسم آنرا تنزیل میگذارند چه صورت دارد ج جایز نیست و ربا است

س

س (۶۸۰) حوالهٔ براتی را که میفروشند و مثلاً ده را که میکنند و دیوان یعنی سرکار چه صورت دارد ج اگر پول را که میگیرد بعنوان قرض الحسنه بگیرد و اورا وکیل کند او را در تحصیل وجه حواله از محول علیه و بعد از آن طلب خود و زیادی از او جدا کند او قرار دهد به اشکال خواهد بود س (۶۸۱) دکمه که از استخوان ساخته میشود معلوم نیست از حلال گوشت است یا از حرام گوشت چه صورت دارد ج ضرر ندارد س (۶۸۲) لیچ هائی که از فرنگستان میاورند استعمالش چه صورت دارد ج اگر از دست مسلمان یا از بازار اسلام بگیرند ضرر ندارد س (۶۸۳) لباس ماهوت از جهت نماز کذا چه صورت دارد ج ضرر ندارد س (۶۸۴) لباس هائی بند و غیر آن که از پشم است و معلوم نیست از چه حیوان است از حلال گوشت یا حرام گوشت در اینصورت با آن نماز کردن صحیح است یا نه ج صحیح است س (۶۸۵) سنجاب ماهوبر باشد نماز کردن با آن نیکو نداست ج اگر چه را انگشت بیشتر زیاد نباشد ضرر ندارد س (۶۸۷) موی غیر را وصل کردن بموی خود چه صورت دارد نماز با آن ج ضرر ندارد س (۶۸۸) پولهای سوخ دار در جیب مصلی بوده باشد چه صورت دارد ج ضرر ندارد س (۶۸۹) چوب برخت زدن چه صورت دارد ج ضرر ندارد

صورت نماز (جواب) ضرر ندارد س ۶۸۶ بالباس شعری نماز کردن ۳

خاتمه
فصل اول در ترجمهٔ الصلوة است

چون بقصد نماز میایستی باید با حضور قلب باشی و تمام حواست را متوجه

در عملی که میکنی و نیت کنی و معنای نیت همان قصد بعمل است و قصد قربت خلوص نیت یعنی بدانی که چه کار میکنی و اینکه برای خدا بکنی و کسی را با او شریک ننمائی در عمل خود و چون رو بقبله ایستادی با طمأنینه و حضور قلب و خلوص نیت بگو اَللّٰهُ اَکْبَرُ یعنی خدا بزرگتر است از اینکه وصف شود بصفتی یا آنکه احاطه بر او شود آنگاه بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ یعنی طلب یاری میجویم بنام خداوند بخشنده مهربان اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ یعنی حمد و ستایش برای خداوندی است که این صفت دارد پروردگار عالمیان است اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و این صفت دارد که بخشنده است و مهربانست مَالِکِ یَوْمِ الدِّیْنِ پادشاه روز جزا است اِیَّاکَ نَعْبُدُ وَاِیَّاکَ نَسْتَعِیْنُ ترا پرستش میکنم نه غیر ترا و بتو طلب یاری میجویم نه بغیر تو اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ راه بنمای کن مرا براه راست صِرَاطَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَیْهِمْ وَلَا الضَّآلِّیْنَ راه کسانیکه انعام کرده بر ایشان نه راه کسانیکه غضب نمودی بر ایشان و نه راه گمراهان بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ یعنی بگو که خداوند یگانه است اَللّٰهُ الصَّمَدُ خداوند پناه مردم است و بازگشت حاجتهای ایشان بسوی او است لَمْ یَلِدْ نزائیده است وَلَمْ یُوْلَدْ و زائیده نشده است وَلَمْ یَکُنْ لَهٗ کُفُوًا اَحَدٌ و برای او همسری نیست ذکر رکوع سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْمِ وَبِحَمْدِهٖ منزه است پروردگار من که بزرگ است و ستایش میجویم بستایش او سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهٗ میشنود خداوند ستایش کسیرا که ستایش کند او را ذکر سجود سُبْحَانَ رَبِّیَ الْاَعْلٰی وَبِحَمْدِهٖ منزه است پروردگار من

کبریائی است از هرچیزی که بستائیم او را بوصفی معلوم تشهد اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له شهادت میدهم باینکه خدائی نیست مگر الله که یکتا است و شریکی برای او نیست و اشهد ان محمداً عبده و رسوله و شهادت میدهم باینکه محمد بن عبد الله بنده او و پیغمبر او است اللهم صل علی محمد و آل محمد خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد (در وقت برخاستن) بحول الله و قوته اقوم و اقعد بتوانائی و قدرتیکه خدا داده است برمیخیزم و می نشینم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر منزه است خدا و ستایش برای خداست نیست خدائی مگر الله و خدا بزرگتر است از اینکه وصف شود (دعای قنوت) ربنا آتنا فی الدنیا حسنة ای خداوند بده بما در دنیا نیکوئی را وفی الآخرة حسنة و در عقبی نیکوئی را وقنا عذاب النار و دور کن ما را از عذاب آتش (سلام) السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و برکاته درود بر تو باد ای پیغمبر و رحمت خدا و برکاتش السلام علینا و علی عباد الله الصالحین درود بر ما باد و بر بندگان نیکان خدا السلام علیکم و رحمة الله و برکاته درود بر شما باد و رحمت خدا و برکاتش

فصل ششم در گناهان کبیره است

و آن هفتاد است (۱) گمراه نمودن بندگان خداست از دین (۲) کفر است (۳) دروغ گفتن است (۴) کشتن نفس محترم است (۵) ظلم است (۶) اعتماد بر ظالمان است (۷) اعانت ظالم است (۸) کبر است (۹) ترک نمودن نماز است عمداً (۱۰) منع نمودن زکوة است (۱۱) منع خمس است (۱۲) ترک نمودن روزه واجب (۱۳) تخلف نمودن از جهاد است (۱۴) فرار نمودن از جهاد است (۱۵) نمودن توبه است (۱۶) خوردن مال یتیم است

(۱۷) اسراف است (۱۸) پنهان نمودن حکم خداست (۱۹) منع از مساجد است (۲۰) اذیت نمودن رسول است (۲۱) شکستن عهد و قسم است (۲۲) استهزاء نمودن بمؤمنین است (۲۳) قطع رحم است (۲۴) راهزنی است (۲۵) غناء و لهو است (۲۶) زنا است (۲۷) منتشر نمودن فاحشه است (۲۸) نسبت زنا دادن است بزنان مؤمنه (۲۹) حکم بغیر ما انزل الله است (۳۰) یأس از رحمت خدا است (۳۱) ترک نمودن حج است (۳۲) ایمن شدن از عذاب خداست (۳۳) عاق والدین (۳۴) فتنه کردن است (۳۵) سحر است (۳۶) دزدی است (۳۷) شراب خوردن است (۳۸) خوردن مردار است (۳۹) خوردن خون است (۴۰) خوردن گوشت خوک است (۴۱) قمار بازی است (۴۲) کم فروشی است (۴۳) لواط است (۴۴) شهادت زور است (۴۵) پنهان نمودن شهادت است (۴۶) قسم دروغ خوردن است (۴۷) حق مردم را حبس کردن است (۴۸) خیانت است (۴۹) غیبت است (۵۰) رشوه تراشی است (۵۱) مجسمه ساختن است (۵۲) استعمال ظروف طلا و نقره است (۵۳) تبدیل وصیت است (۵۴) ببلاد دور از اسلام رفتن است (۵۵) رد سلام نکردن است (۵۶) خوردن مال حرام است (۵۷) ترک امر بمعروف و نهی از منکر است با اجتماع شرایط (۵۸) رد حکم حاکم شرع (۵۹) ترک سجده واجب است (۶۰) نمودن فاش چیزی از نجاسات است (۶۱) بازی کردن شطرنج و نرد است (۶۲) نگاه کردن با جنبیه بسبب شهوت عمداً (۶۳) کشف نمودن عورت است در نزد ناظر (۶۴) وطی نمودن زوجه است در حیض (۶۵) استمناء است (۶۶) قیادت و دیوثی (۶۷) حلال نمودن حرام خداست بقصد شبهات (۶۸) افترا زدن بر مؤمنین و مؤمنات (۶۹) ربا

[illegible]

حجة الاسلاما از جهت فتوی یا مسائلی که رجوع به مجتهد در موارد یکه حضرتعالی منظور باشد رجوع بغیر نماید با رعایت الاعلم فالاعلم [illegible]
و در اینصورت هر کس از مجتهدین که منظور نظر حضرتعالی است تعیین فرمائید که با اطمینان رجوع شده و دعاگوی وجود مبارک باشیم

حجة الاسلاما

چه میفرمائید در باب رجوع نمودن بجناب مستطاب عماد الفقهاء والمجتهدین آقای حاجی میرزا محمد علی مجتهد شهرستانی دام ظله العالی با رعایت الاعلم فالاعلم در موارد تقلید از احتیاطات و تاملات در موارد یکه جایز است رجوع بغیر در موارد حکم از ایشان تخلف میتوان نمود یا خیر مستدعی آنکه تکلیف را معین نمائید

بسم الله الرحمن الرحیم رجوع بجناب مستطاب عماد العلماء العظام حجة الاسلام آقای حاجی میرزا محمد علی شهرستانی دامت برکاته جایز است [illegible]

حجة الاسلاما

از جهت فتوی و یا رد مسائلی که رجوع به مجتهد از احتیاطات و تاملات و مشکلات در موارد یکه تکلیف رجوع نمودن بمجتهد جامع الشرائط در اینصورت هر کس از مجتهدین که منظور حضرتعالی است با رعایت الاعلم فالاعلم تعیین فرمائید که با اطمینان خاطر رجوع نموده و دعاگوی حضرتعالی بوده باشیم

بتحریر ا پانزدهم ذی الحجه سنه ۱۳۳۲ هجری

بسم الله الرحمن الرحیم رجوع بجناب مستطاب آقای حاجی میرزا محمد علی شهرستانی دامت افاضاته [illegible]

در مطبعه ... اشکال است حرره الجانی فتح الله الغروی الاصفهانی حاجی عبد الرحیم



